



ارگان رسمی جامعه جوانان شرق کوردستان و  
اتحادیه زنان جوان شرق کوردستان

تیریه

سال دهم، شماره سی و سومین، تیر و مرداد ۱۴۰۳  
نشریه ایدئولوژیک، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی



اصرار بر سوسیالیسم، اصرار بر انسان بودن است



15  
TEBAX



# زیله مو

به معنای اخگر زیر خاکستر است

ارگان رسمی جامعه جوانان شرق کوردستان KCR  
و اتحادیهی زنان جوان شرق کوردستان YJCR  
شماره سی و سومین، سال دهم، تیر و مرداد 1403  
نشریه ایدئولوژیک، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی  
این شماره را به شهید هاورسی چیا تقدیم می‌نماییم.



# فهرست

	سخن جوان	۱
	رهنمودهای رهبری (بیشبرد جنگ انقلابی و مبارزافرینی در میان کوردها)	۲
	رینمای کوردیناسیونی KCR	۶
ریوار ابدانان	داستان کوتاه (تولدی در مسلخ)	۱۳
ناریۆ بهرزهن	ههلبهست	۱۶
نهزدا ژیهات	دوو ژنی عه گید، دوو پینشه نگی گه نچ	۱۷
ڤیان ههڤۆ	تیکۆشان بۆ ههبوون	۲۲
سواره شاهۆ	پشت پهردهی سینمای گهلی کورد و راستیهکانی دینامیزمی شۆرپش	۲۵
سهنگهر پۆلا	بۆ یادی شههید تۆلههڤدان قهنديل	۲۸
ژيله مو	گاه شماری جامعه جوانان شرق کوردستان	۲۹
گفتگو با رفیق مظلوم هفتن	نقش خلق به ویژه جوانان، در تحقق ملت دموکراتیک	۳۱
ژيله مو	صنعت مجازی	۴۱
VIYAN PEYMAN	AFRODÎT	۵۲
SERHILDAN KURDO	PÊSNGÊN BERXWEDAN	۵۶

# سخن جولان

کارزار ۱۵ آگوست که مصادف است با ۲۴ مرداد، با پیشاهنگی فرماندهی افسانه‌ای رفیق عگید(معصوم کورکماز) آغاز مبارزهای بود علیه تمام واپسگرایی‌ها و انتقامی بود شایسته‌ی مقاومت تاریخی و جهانشمول ۲۴ تیرماه سال ۱۳۵۹ خورشیدی (۱۴ جولای ۱۹۸۰ میلادی). که ادامه‌ی این مبارزات نیز حماسه‌ی قندیل در شرق و انقلاب روزآوا در غرب کوردستان است. بی‌گمان روح مقاومت شهید مظلوم دوغان، شهید کمال پیر، شهید محمد خیری دورموش، شهید عاکیف ییلماز و شهید علی چیچک در زندان آمد (شمال کوردستان) اصل و بنیان تمام این دستاوردها و پیروزی‌های جنبش آپویی در هر چهار سوی کوردستان است. به همین مناسبت در شخص این پنج ستاره‌ی سرخ جنبش آپویی و اولین شهید جامعه‌ی جوانان شرق کوردستان شهید هیرش کارزان، یاد تمام شهدای راه آزادی را گرامی می‌داریم. همچنین هجدهمین سالیاد تأسیس جامعه‌ی جوانان شرق کوردستان (KCR) و پا نهادن به نوزدهمین سال مبارزه، در روز ۱۵ آگوست را به تمام خلق میهن‌دوست، بخصوص جوانان و زنان جوان مبارز و انقلابی تبریک می‌گوییم. در روزهای اخیر شاهد مقاومتی بی‌نظیر از سوی گریلاهای آزادی کوردستان در مناطق حفاظتی میدیا (بخصوص گاره، زاپ، متینا، آواشین، خاکورک) در برابر ارتش اشغالگر و فاشیست ترکیه هستیم. ارتش اشغالگر ترکیه با همکاری و خیانت خانواده‌ی بارزانی و حزب دموکرات کوردستان عراق (پ.د.ک) توانسته است جنوب کوردستان را از نظر نظامی، دیپلماسی، فرهنگی و ... اشغال نماید و از آنجا به کوه‌های آزاد کوردستان یورش‌های اشغالگرانه‌ی خود را علیه گریلاهای آزادی کوردستان انجام دهد. این بزرگترین خیانت تاریخ به خون تک تک شهدای راه حق، عدالت و آزادی که از هر چهار بخش کوردستان و خاورمیانه برای دفاع از خاک، کرامت، انسانیت و آزادی جانشان را فدا کرده‌اند، است. در حالی صورت می‌گیرد که فرماندهانی همچون شهید سرخوبون، شهید دوغا زنار، شهید هلمت دیرهلوک، شهید هاوری چیا و چندین تن از پاک‌ترین فرزندان این سرزمین بدن‌های خود را سپر کردند تا جنوب و همه‌ی کوردستان و خاورمیانه را در برابر خیانت حزب دموکرات کوردستان عراق و رژیم اشغالگر ترکیه محافظت نمایند. جامعه‌ی جوانان شرق کوردستان با فرا گرفتن روح «مقاومت زندگیست» در مکتب آپویی و با دل‌هایی که رهنمودها و فلسفه‌ی زندگی رهبر آپو بر آن حلق شده، به راه این گرانقدرها ادامه می‌دهد تا که شایسته یادشان باشد. در بنیان و اساس نوشته‌ها که همانا عملکرد ما جوانان آپویی می‌باشد؛ یک استراتژی را برای خود سرمشق قرار داده است و آن نیز جنگ خلق انقلابیست. جنگی که گریلا و خلق همچو آب و ماهی از همدیگر جدایی ناپذیرند و برای بر ساخت زندگی‌ای آزاد که به دور از هر اقتدار و سیستم دولتی، سیستم خلقی خود را که در آن، اقتصاد، آموزش، پرورش، بهداشت، دفاع مشروع و هر آنچه که حیاتیست و بر استعدادهای خود مستقل است را بنیان می‌نهد. انقلاب زن زندگی آزادی و شهدای راهش در شرق کوردستان و ایران، ما جوانان را برای به ثمر رسیدن این انقلاب و این اثر هنری فرا می‌خوانند.

# پیشبرد جنگ انقلابی

۹

## مبارز آفرینی در میان

### گوردها

برگرفته از فانیست تدریس دموکراتیک (جلد پنجم)

از دیداد می‌یافت و بر شمار دوستان افزوده می‌شد. پیله‌ی تنهایی را شکافته و اجتماعی می‌گشتم. واقعیتِ حقیقتی که آرزویش را داشتیم، حقیقتِ واقعی را نیرو می‌بخشید. آمدن خوانندگان به محیط گریلابی آن سال‌ها، گردآمدن افراد خلق با شماری بیش از ده‌ها هزار نفر در حوزه‌ی کمپ‌ها به هنگام نوروز، سبب سرزندگی و نشاط فراوانی می‌گشت. همزمان با آمدن «آرام تیگران» به حوزه‌ی فعالیتی اقامتگاهم و بازگشایی تلویویزیون ماد (Med TV)، «عشق نومیدانه» آغاز به امیدوارانه‌شدن نموده بود. موج به موج پیوستن دختران به صفوف مبارزه نیز شوق‌انگیز و پرهیجان بود. شرافت‌مندان آن‌ها را برای نخستین بار در آغوش می‌گرفتم. دیگر بار با هم بازی نمودیم، گاه روی دوشم می‌نهادم و شرم موجود در زن را با خاک یکسان می‌کردم. هرچه در شخص آن‌ها تحقق زندگی آزاد را می‌دیدم، معنای

مقاومت و پیشرفت‌های ایدئولوژیک-سیاسی بعد از ۱۹۸۰، جهت آنکه واقعیت‌گرد به‌عنوان حقیقت نمود یابد حاوی معنای عظیمی بود. گذار به پروسه‌ی مقاومت مسلحانه و کشاندن خلق به میدان جنگ، به گام‌هایی تاریخی مبدل گشتند. در فضاهایی که همه گام پس می‌نهادند، حقیقت می‌توانست ندای خود را غزاتر و بلندتر به گوش برساند. مبارزه‌ی مسلحانه دقیقاً در چنین مقطعی به‌عنوان قوی‌ترین و عادل‌ترین ندای حقیقت، طنین می‌افکند. اینچنین نیز گشت. کارزار ۱۵ آگوست ۱۹۸۴ علی‌رغم اینکه از نظر تکنیکی و تاکتیکی بسیار خوب آغاز نشده بود، اما پژواک عظیمی در واقعیت‌گرد یافت. گردهایی که می‌جُستیم، حضور خویش را جلوه‌گر می‌نمودند و با وجود تمامی نامطلوبی‌هایش، موج به موج بدان می‌پیوستند. تعداد خوانندگان و گروه‌های موسیقی

خلق‌ها به هنگام لزوم یعنی هنگامی که پای موجودیت‌شان در میان است و با از دست دادن آزادی و شرافت‌شان رویارو باشند، ناگزیر می‌جنگند. هیچ روشی به‌غیر از جنگ منجر به حفظ موجودیت، آزادی و شرافت‌شان نمی‌شود. مقطع یادشده از نظر کردها چنین مقطعی بود. جنگیدن، یک روش هستی‌یابی ماقبل آزادی و رهایی بود. فاشیسم ۱۲ سپتامبر با اقدامی همچون «ممنوعیت زبان» که نظیر آن در جهان وجود نداشت، نابودی هویتی کردها که پیش‌تر به‌شکل سرپوشیده صورت می‌گرفت را آشکارا پیش می‌برد و مصمم بود آن را به فرجام برساند. جنگ، تنها روش هستی‌یافتن برای کردها بود. سایر روش‌های اظهار وجود نیز به‌کلی برچیده و توقیف شده بودند. منظورم از توقیف‌شدن، توقیف سایر گروه‌هاست. برای کردها به هیچ وجه نه امکان اثبات موجودیت باقی گذاشته شده بود و نه امکان حیات آزاد. جنگ به هر قیمتی که می‌بود و نتیجه‌اش به هر نحوی که شکل می‌گرفت، نه‌تنها یگانه راه هستی‌یافتن و شانس حیات آزاد بود بلکه همانند نوشدارویی برای سر پا ایستادن بود. کمالینکه سایر نیروها چون با شایستگی به این وسیله متوسل نگشتند،

خلق‌ها به هنگام لزوم یعنی  
هنگامی که پای موجودیت‌شان  
در میان است و با از دست دادن  
آزادی و شرافت‌شان رویارو  
باشند، ناگزیر می‌جنگند

زندگی بیشتر و بیشتر پیشرفت می‌کرد و زیباتر می‌گشت.

خلق کرد به‌رغم ناگواری‌ها و خیانت‌های بزرگی که در این سال‌ها دید، توان ایستادگی و پابندی نشان داد، چرا که به حقیقتِ خویش پی برد و درک نمود که این مهم‌ترین شرف انسانی و اصل بنیادین اخلاقی است؛ وگرنه این همه ایستادگی در برابر جنگ‌های گلاادیو که موزیانه‌ترین شکل جنگ از طرف پیشرفته‌ترین نیروهای هژمونیک جهانی است، به نوع دیگری قابل توضیح نیست. در این سال‌ها شعار «کردستان مستقل، متحد و دموکراتیک» را بسیار به‌کار می‌بردیم. آشکارا باید بگوییم که من دلگرمی چندانی از واقعی بودن این شعار نداشتم. واقعیتی که بیش از همه به من دلگرمی و توان می‌بخشید، خیزش خلق بود. ممکن نبود در مقابل خلقی که به جنگ در راه خویشتن برخاسته بود، همه نوع پشتیبانی‌ای از آن جنگ صورت می‌داد و ارزشمندترین پسران و دختران خویش را همانند یک قربانی پیشکش می‌نمود، دچار هیچان نشد و برای آن احترام بزرگی قائل نگشت. تمامی کاری که من انجام دادم این بود که با به‌کار بستن نیروی عقل و احساسم در این جنگ شرافتمندانه‌ی آنان که در راه حقیقت صورت می‌گرفت، سهمی برعهده بگیرم. هیچ تلاشی نمی‌توانست از فعالیت‌های صورت‌گرفته در این راستا، ارزشمندتر باشند. این فداکاری خلق و پیشاهنگانش، حتی شخصی همچون مرا که دچار یک ذهن بسیار گمان‌آمیز بود و عواطفی ناپایدار داشت، به‌خود آورده و گویی دوباره زندگی بخشیده بود. من سعی در کشف آن‌ها داشتم و آن‌ها مرا از نو آفریده بودند.

که به پیشاهنگی PKK به‌ویژه از طریق کارزار ۱۵ اگوست ۱۹۸۴ آغاز گردید و بسیار دشوار هم گذشت، نه‌تنها پاکسازی واقیبت کردها به‌مثابه‌ی موجودیت- متوقف شد بلکه بخش بزرگی از مسیر آزادی نیز طی گردید. طی جنگ ویژه‌ای که تداوم بخشیده شد و مبنایش بر این استوار بود که [ترکیه] در ازای پشتیبانی قوی نیروهای هژمونیک خارجی و به‌ویژه ایالات متحده‌ی آمریکا، انگلستان و آلمان از نظر اقتصادی به نظام سرمایه‌ی گلوبال تسلیم گردد، از سیاست‌های منطقه‌ای آن‌ها کاملاً پشتیبانی کند، در حوزه‌ی نظامی نیز بخش ترکیه‌ای گلا دیو یعنی ارتش پنهانی ناتو را توسعه دهد و در جنگ به‌کار ببرد، غیر از مشتی خائن و مزدور، سایر کردهایی که در حال مبارزه جهت موجودیت و آزادی بودند در تنهایی و انزوا قرار داده شدند. تمامی دولت- ملت‌ها به شکلی قاطعانه مقتضیات منافع خویش را به‌جای آورده‌اند، در این وحشی‌گری یا به یک جبهه و طرف تبدیل شده‌اند و یا نظاره‌گر باقی مانده‌اند. به‌ویژه دولت- ملت اسرائیل، پیمان‌نامه‌های نظامی مخفیانه‌ای که از سال ۱۹۸۵ بدین‌سو بسته‌اند را به‌صورت گسترده‌تر طی سال ۱۹۹۶ در راستای پشتیبانی از حکومت ترکیه در این جنگ ویژه به سطحی پیشرفته ارتقا داد. بدون پشتیبانی نیروهای هژمونیک مدرنیته‌ی کاپیتالیستی (و از جمله روسیه‌ی شوروی) که به اقتضای منافع‌شان صورت می‌گرفت، اجرای نسل‌کشی علیه هیچ یک از فرهنگ‌های اجتماعی آناتولی و مزوپوتامیا ممکن نبود. تمایل سرمایه به کسب بیشینه سود، در این مسئله تعیین‌کننده‌ی نتیجه بوده است. واقیبت مذکور، با تمامی عربانی

نامشان از سر زبان‌ها افتاد و از حیات اجتماعی دور گشتند. واقیبتی که نمایندگی‌اش را برعهده داشتند، کفاف حیات‌بخشی به آن‌ها را نموده بود. چیزی که در این دوران برای من جالب بود، یافتن معنای حقیقی «جنگِ ناموس»ی بود که مادرم بر آن پای می‌فشرد. مادرم در اصل خواسته بود تا یک قانون زندگی اجتماعی را به من بیاموزد. اما چون توان لازم جهت بیان صحیح واقیبت جاری را نداشت، در پی «هدف، زمان‌بندی و اجرای» اشتباه‌آمیز بود. از طریق این جنگ در راه موجودیت ذاتی، به‌واقع ناموس اجتماعی و موجودیت و شرف کردها نجات داده شده بود. از طریق این جنگ، حق زندگی شرافتمندانه برای اولین بار کسب گردیده بود. برای تمامی کردهایی که به‌پا خاسته و از جنگ در راه موجودیت خویش صیانت به‌عمل آورده بودند، حق زندگی کسب شده بود. در این سال‌ها، مُردن یا زنده‌ماندن چندان تفاوتی نداشت. مورد مهم، کسب حق زندگی شرافتمندانه بود. یک نمونه‌ی این امر نیز در مقاومت زندانیان زندان دیاربکر نشان داده شده بود. عملیات و شهادت مظلوم دوغان در روز نوروز، خودسوزی و شهادت فرهاد کورتای، نجمی اونر، اَشْرَفْ آنیک و محمود زَنگین، همچنین شهادت کمال پیر، محمد خیری دورموش، عاکف یلماز و علی چیچک در نتیجه‌ی اعتصاب غذا (روزه‌ی مرگ) نیز به‌تمامی جنگ‌هایی در راه شرافت بودند. هرکدام‌شان ارزشی بودند همسنگِ جنگِ خلق! شعار «جنگ در راه شرافت، پیروز خواهد گشت» که با همدیگر آن را سر دادند، بیانی از همین واقیبت بود. از همان بدو امر تاکنون از طریق یک مرحله‌ی مقاومت‌طلبانه

بخشید. ابزارهای داخلی هژمونی جدید نیز از دوران ۱۹۷۰ بدین سو گردآوری می‌شد. می‌توان مراحل برجسته‌ی این دوره را بدین گونه برشمرد: پذیرش سنتز ترک-اسلام، مصوبات اقتصادی ۲۴ ژانویه ۱۹۸۰ (گشایش به روی سرمایه‌ی مالی گلوبال)، کودتای ۱۲ سپتامبر، توقیف احزاب «دولت-ملت» گرای ترک‌های سفید، انتصابات غیرقانونی در ستاد کل ارتش، عملیات تانسو چیپلر در درون حزب «راه راست» و دولت او، مقطع ۲۸ فوریه و سرنگونی دولت آرکان و در آخر سر نیز پاکسازی بولنت اجویت هم به‌عنوان شخص و هم به‌عنوان دولت. اینکه حزب عدالت و توسعه (AKP) به‌عنوان نوعی تنظیم و سامان‌دهی کل عناصر داخلی و خارجی چنین پروسه‌ای ارزیابی گردد، حائز اهمیت فراوانی است.

خوبش و با تمامی غیرحقوقی و غیر اخلاقی بودنش، در نسل‌کشی فرهنگی کردها اثبات گردید؛ همان نسل‌کشی فرهنگی‌ای که از مدت‌زمان بیش از صد سال قبل بدین سو رفته‌رفته رو به افزایش دارد. در راه منافع کوتاه‌مدت سرمایه، از پاکسازی موجودیت‌ها و اجتماعات هزاران ساله‌ی فرهنگی یا چشم پوشیده‌اند یا آشکارا پشتیبانی نموده‌اند. رابطه‌ی بین نسل‌کشی و «دولت-ملت و انحصارات سرمایه» در هیچ کشوری به اندازه‌ی کردستان آشکارا خود را نشان نداده است. حتی جنبش‌های رهایی‌بخش فلسطین نیز با قدرت‌گرایان ترکیه به سازش دست زد و از ارائه‌ی پشتیبانی لازمه دریغ ورزید.

فرسوده‌شدن افراطی رژیم طی جنگ داخلی و عملیات ایالات متحده‌ی آمریکا در عراق (اگرچه ظاهراً حمله‌ی اخلاک‌گرانه‌ی سازمان القاعده به برج‌های دوقلو بهانه قرار داده شد)، شکل‌گیری یک هژمونی جدید قدرت را در ترکیه ضرورت







# به بهشداربوون له ناو ریزهکانی گریلادا داگیرکهری تیک بشکینین

رینمایى کوردیناسیۆنى KCR

رېبەر ئاپۆ به تیکۆشان و ئایدیۆلۆژیای خوئی ئهوهی به دۆست و نه یار  
سهلماند که هیچ هیزیک ناتوانیت ئه و تیکۆشان و بهرخۆدانه کپ بکات

به هه موو ئازادبخووازان. له بنهما دا ئهوهی له  
ئیمپرالی شهه دهکات، کهسیک نیه، به لکوو فکری  
نه تهوهی دیموکراتیکه که به هیچ شیوازیک  
ناچیتته بن رکیفی سهرمایه داری و بهردهوام  
به رهرووی هیرش بۆ له ناوبردن ده بیتهوه. رېبەر  
ئاپۆ ته نیا به بیر و رامانی خوئی سهرمایه داری  
وه له رزه خستوه و به چۆکی دا هیناوه. رېبەر ئاپۆ  
له بهرگی دووه می پارێزنامهی «مانیفیستی  
شارستانیتهی دیموکراتیک» دا ده لیت: «**له  
کهسایه تی مندا دژه سهرمایه داریکی باش  
دادگایى ده کریت و دادگایى ده کات.**»

له سهه ئه و بنه مایه، ۱۰ ئۆکتۆبری ۲۰۲۳، رۆژیک  
دوای سالوه گهری پیلانگێری ناونه تهوه یی دژی رېبەر  
ئاپۆ، هه لمه تیک له هه ر به شیکی جیهان به  
پیشه نگایه تی دۆستی کوردان بۆ ئازادی جهسته یی  
رېبەر ئاپۆ ده سته پیکرد و هه تا ده چیت ئه و

۲۶ ساله که رېبەر ئاپۆ له زیندانی دورگی  
ئیمپرالی دا له به رامبه ر هه رچه شنه هیرش و  
ئه شکه نجه یه ک بۆ ته نموونه ی به رخۆدانی بۆ گه لی  
کورد و ته وای گه لانی ئازادبخواز، ماوه ی سئ  
سالیشه که ئه و زه خته چتر بۆ ته وه و نا هیلن که  
هیچ زانیاریه ک له رېبەر ئاپۆ وه ربگیردریت. رېبەر  
ئاپۆ به تیکۆشان و ئایدیۆلۆژیای خوئی ئه وه ی به  
دۆست و نه یار سه لماند که هیچ هیزیک ناتوانیت  
ئه و تیکۆشان و به رخۆدانه کپ بکات. شیکاری  
و به رگرینه مانه کانی رېبەر ئاپۆ، تۆوی ئازادیان له  
هه موو جیهاندا چاند. هیوای کۆمه لگایه کی ئازاد و  
کهسایه تیه کی ئازاد، له نیو تاک به تاکی ئیمه  
دا زیندوو کرده وه و ئیستاکه ش به ملیۆنان کهس  
له هه ر به شیکی جیهان، ئازاد بوونی خوین  
له ئازادی جهسته یی رېبەر ئاپۆ دا ده بیته وه.  
رېبەر ئاپۆ هیوای ژبانیکى نوئ ده به خشیت

كە ھەتا گەنج نەخاتە بن ركيفى خۇى، ناتوانيت به سەر كۆمەلگادا زال بىت و پىلان و پروژەى خۇى پەيرهو بكات. بۇ ئەوھى كە گەنجان له جهوهەرى خۇيان دور بخەنەو، ھەموو جۆره له جهوجۇل دان و له بهكارھىنانى ھىچ رى و رىبازىكى دژە ئەخلاقىانە سل ناكەن و ئەوھش تا ئاستىكى زۆر به تۆره دىجىتالەكان، مادەى ھۆشبهەر، له ناو مەكتەبهكاندا و به پەروەردە، به جاش كردن و ھتد، توانىويانە گەنج له ھىلى تىكۆشان و بەرخۇدان تا ئاستىك بەدور بگرن. ئەساس پلان ئەوھىه كە گەنج وەك رۇبۇتىكى لىبىت كە دەبىتە كۆيلە و له ژىر چاوەدىرى ئەوان دا دەبىت. بەلام ناخى گەنجىەتى ئەوھى پى قەبول ناكړيت. ھەر وەك له سالى ۲۰۲۲ رژانە سەر شەقامەكان و بهو فكر و ھزره كۆنەپەرستەيان گوت «نا» و به شەھادەتى سەدان گەنجى شۆرشگىر ئەوھىان سەلماند، كە نه تەنيا ئەو وزەبه لەناو نەچووه، بەلكوو زياتر و زياتر تىنووى ئازادىيە.

راستە ئەو گەنجانەى كە لەسەر شەقامەكان بوون، يەك يەك رىبەر ئاپۇيان نەدەناسى، بەلام له ئەساسدا دل و ھەستى شۆرشگىرى سوسىيالىست، له ھەر جىگەيەكى جىھان بىت بۇ يەكتر لىدەدەن و ئەوھش دەبىتە ھۇكار كە ھەموو به يەك دەنگ «ژن، ژيان، ئازادى» بكەنە دروشمىكى گەردوونى و ھىلى راستى تىكۆشان. ھەر چەند شۆرش نەگىشتە ئامانجى سەرەكى خۇى، بەلام كۆتايىشى پى نەھاتوو و پىويستە ئەو پردەى كە دەمان گەيىنىت به ئامانجە سەرەكەكەى شۆرش، به وردى لىكۆلئىنەوھى بۇ بكەين و به تىكۆشانىكى چرتر و رادىكالتر، كەم و كورتىەكانى قۇناغى رابردوو له خۇمان دا تىپەر بكەين. تا بتوانين وەك گەنجىكى تىكۆشەر ھەر ساتىكى خۇمان بۇ خۇ به رىكخستن كردن، تا مسۆگەر بوونى ئازادى تەرخان بكەين.

**«تەسلىمىيەت خيانەتە، بەرخۇدان ژيانە»**  
 زىندان بۇ ھىزى سەردەست له بنەمادا بۇ كپ كردنى دەنگى ئازادى و بەرخۇدان بونىاد نراو.

ھەلمەتە به شىوازى جۆراو جۆر و ئافرئەرانە بەرفراوان تر دەبىتەوھ و له رىبىوانى ۱۷ شوباتى ۲۰۲۴ كۆلن و ھەرەھا نەورۇزى ئامەد دا گەيشتە ئاستىك كە به ملىؤنان كەس يەك دەنگ دروشمى «بژى رىبەر ئاپۇ» يان دەگوتەوھ. ئەوھش سەلمىنەرى ئەو راستىيە كە بىرى ئازاد زىندانى ناكړيت. گەردوونى بوونى رىبەر ئاپۇ و پارادايىمى كۆنفىدرالىزمى دىموكراتىك، ترسىكى گەورەى خستۆتە دلئى سىستەمى سەرمایەدارى، كە ئەمروكە به ھەموو شىوازىك وا خەرىكن ھىرش دەكەنە سەر رىبەر ئاپۇ و ھەلگرنى ئەو بىر و رامانە. بەلام ھەر وەك رىبەر ئاپۇش ئامازەى پى دەكات، **«ئازادى سەردەكەوئ»**.

**«گەنجان مەخاتەبى سەرەكى و نەگۆرن بۇ ئىمە»**  
 پىويستە ھەر گەنجىك به وردى لەسەر ئەو

وتەيەى رىبەر ئاپۇ بىربكاتەوھ و ھەلسەنگاندنى بۇ بكات. بزائىت كە رىبەر ئاپۇ چۇن گەنج پىناسە دەكات و تىروانىنى بۇ گەنجىەتى چىنە؟

بەو پىيەى كە گەنج وزەى دىنامىكى كۆمەلگايە، ماندوو بوون نانسىت و لەھەمبەر زولم و زۇرى يەكەم توپژە كە ھەلوپست نىشان دەدات و بىخەم دانانىشىت. له ھەر بواریكدا نەترسە و خاوەن ھىزى چارەسەرىە. ھەرەھا شۆرش ھەر بە دەست گەنجان پىك ھاتوو و پىك دىت. بىگومان له مېژوو دا ھەتا رۇژى ئەورۇمان، گەنجان به گىانى خۇيان له سەر شەقامەكان و له ناو زىندانەكاندا ھەر له تىكۆشان دابوون. شەھادەتى ھەزاران گەنج له سەر شەقامەكان، له زىندانەكان دا و له سەر چىاكان، سەلمىنەرى ئەو راستىەن كە نكۆلى لى ناكړيت و بەر چاوە. بىگومان سىستىمى پىرسالار به باشى دەزائىت

## زىندان بۇ ھېزى سەردەست لە بنەمادا بۇ كپ كوردنى دەنگى ئازادى و بەرخۇدان بونىاد نراوه.

توانيان سەركەوتن بە دەست بېنن و ورە لە ناو گەل و PKK دا زىندوو بكنەهوه. ھەرۈھە بوونە ھىلى بەرخۇدان لە ناو زىندان دا. دوژمن ھەر رۆژ بە بيانوويەك دەيوست ئەو ھەفالىانە لە چالاكى پەشيمان بكاتەهوه. رۆژىك پاسەوانى زىندان بە كەمال پير دەلىت كە دەست ھەلگەرە كەمال بۇ خۆت بە كوشتن دەدەي؟ كەمال پير لە ۋەلامدا دەلىت:»

**ئىمە ژيانمان بەو پادەيە خۆش دەويت كە ئامادەين گيانى خۆمانى بۇ بدەين»**

ئەو ھەلوئىستە ھەتا رۆژى ئەرپۇمان ھەر بەردەوامە و ھەتا ئازادىخوازىك لەناو زىنداندا بىمىنيت، ئەو ھىلە بۇخۆى بە بنەما دەگرىت و دوژمن لە ناو زىندان دا بە چۆك دا دىنيت.

ھەر ۋەك دەزانين سالى ۲۰۱۰ ئەو روخە دواى ۲۸ سال لە زىندانى ئەوين دا ديسان زىندوو بۆوہ و بە بەرخۇدانى شيرين ەلەم ھوولى، فەرزاك كەمانگەر، فەرھاد ۋەكىلى و ەلى ھەيدەريان گەيشتە رۆژھەلاتى كوردستان و ئەو ھەفالىانەش لەسەر ئەو ھىلە بەرخۇدانىان بە بنەما گرت و زىندانى ئەوينيان خستە لەرزە و توانيان تەفگەرى ئاپۆيى لە رۆژھەلاتى كوردستان بگەيپننە ئاستىك كە لە ھەر مالىك دا شيرينىك و فەرزاكىك لە دايك بنەهوه و بەسەدان گەنج روو بكنە چيا ئازادەكانى كوردستان و بۇ تۆلەى ئەو ھەفالىانە چەكى شۆرش لە شان بكنە. ھەر بۇيە ئىستاش دوژمن لە ناو زىندانەكان بۇ ئەوہى ئەو ھىلى بەرخۇدانە لاواز بكات، دەيانھەويت گەنجان بە لەسپدارەدان و ئەشكەنجە كوردن لە ناو زىندانەكان دا تەسليم ۋەرگرن. بەلام روخى فەرزاك و ھاورىيەكانى، لە ناو زىندانەكان دوژمن ھەر بەردەوامە و ھەتا زىندان بىمىنيت ئەو ھەستە ھەر رۆژو لە دلى كەسىك دا ليدەدات. پىويستە ھەلوئىستى ئىمە گەنجانىش لە ناو زىندانەكان دا ھەر ئەو ھەلوئىستە بىت كە زىندانى ئامەد و ئەوينيان تىكرووخاند و چۆكيان بە دوژمن دادا و گوتيان:

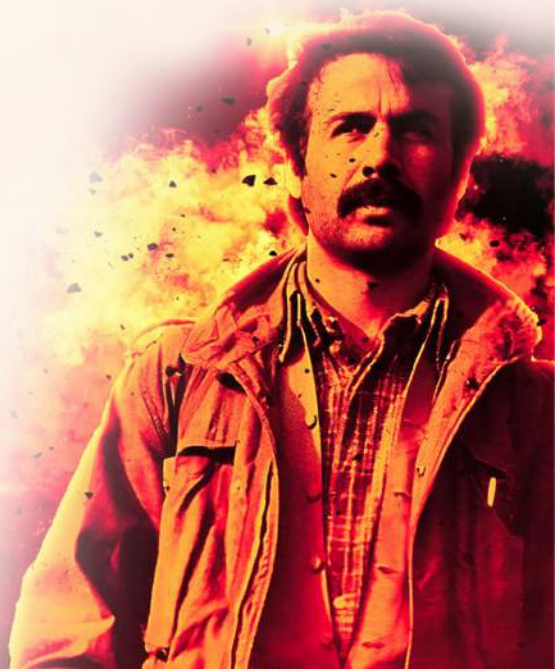
ھەر بۇيەش بە ھەزاران گەنج لە نيو زىندانەكان دا شەھيد بوون و رىگەى بەرخۇدانىان گرتۆتە بەر. سالى ۱۹۸۰ لە توركىيە و باكورى كوردستان بۇ پاكتاو كوردنى تەفگەرى ئازادى، كودەتايەكى سەربازى بەرپوہ چوو. زۆرپەى كادر و پىشەنگانى تەفگەرى ئاپۆيى كە تازە پەرەى دەستاند، دەست بەسەر كران. لە ناو زىندان دا ويستيان كە ئەو كادرانە نەك بە كوشتن، بەلكوو ھەتا دوايى بە ئەشكەنجە كوردن تەسليميان بگرن. بەلام لەبەرامبەر ئەو ھەموو ئەشكەنجەيەش، تەسليمىيەتيان قەبول نەكرد و لە رۆژى نەورۆژ دا و بە چالاكى شەھيد مەزۇم دۇغان لە زىندانى ئامەد، ھىلى بەرخۇدان بوو بە قۇناغىكى نوئ لە تىكۆشاندا. بە مانگرتنى رۆژوووى مردنى محەممەد خەيرى دورموش، كەمال پير، عاكيف يىلماز و ەلى چىچەك ئەو بەرخۇدانە گەيشتە لووتكە و بە دوژمنيان سەلمانە كە ھەر كەس بىر و رامانى رىبەر ئاپۆى لە دلى دا ھەلگرتبىت بە ھىچ ھىزىك ناكەويت و تەسليم نايىت. لەو بىدەرھەتيەى ناو زىندان دا كە دوژمن دەيگوت تازە لە دەستى ئىمە دان و شتىك بە نيوى PKK نەما و ھەموو تەسفيە بوون، ئەو ھەفالىانە

شەھید حەقی قەرار لە ساڵی ۱۹۷۸ دا PPK دادەمەزرینییت و زەرەبەیه کی دە هیندە گەرەتر لە دوژمن دەدات و هیوای ئازادی خوازان و بەتایبەت گەلی کورد دەبووژینیتهوه. تۆلە ی بەرخۆدانی زیندانی ئامەد بە شەری چە کداری وەلام دەداتەوه و مەعسوم کۆرکماز دەبیته سەمبولی ئەو چالاکیه. لە ئەساس دا ئەو فیشەکه بۆ یە کەم جار، زنجیری کۆیلەتی گەلی کوردی پساند. تا ئەوکاتە دەگوترا لە بەرامبەر دەولەتیک ئاوا بەهیز شەری ناکریت، بەلام قەلەمبازی ۱۵ی تەباخ ترسی لە ناو دلی گەلی کورد دا گواستەوه ناو دلی دوژمن. ئەو کەسە کی هەتا ئەورۆ لە دوژمن دەترسا، ئیدی بوو بە خۆفیک لە دلی دوژمن دا. ۱۵ی تەباخ و هەقال عەگید بوون بە هیزیک لە ناو دلی گەلی کورد دا و هەتا رۆژی ئەورۆمان ئەو هیزه هەر بەردەوامه و خەریکه لە بەرامبەر ناتۆ شەری و بەرخۆدانی دەکات و رۆژ بە رۆژ خەریکه زیاتر سەرکەوتن مسۆگەر دەکات.

**۲۲ سال دوای یە کەمین فیشە کی هەقال عەگید، زایەلە ی ئەو دەنگە لە رۆژەلاتی کوردستان، بوو بە هۆکاری ژیانەوه ی گەنجان.** لە ساڵی ۲۰۰۶ و لە هەمان رۆژ دا گەنجان لە دەوری یە ک کۆبوونەوه و بە خۆ بە ریکخستن کردن، کۆمەلگە ی جەوانانی رۆژەلاتی کوردستان (کەجەرە) یان دامەزراند. ئیدی گەنجان بە ئیرادە ی خۆیان و بە بیر و رامانیک ئازاد توانیان لە تەواوی رۆژەلات و ئیران خۆ بە ریکخستن بکەن و بینه هیزی ئالتیرناتیف و چارەسەر لە دژی دەسەلات. بێگومان ئەوهش بە پیشەنگایەتی پیشەنگانیک ی وە ک شەهید هیرش کارزان، کە شەهیدی یە کەمی KCR یە و لە پیش خستی خەبات لە رۆژەلات دا رۆلێکی سەرەکی بینی. هەر وهه شەهید هیمن بیکەس، باهۆز بیهنام

تەسلیمیەت خیانه تە و بەرخۆدان ژیانە. **دەنگ و زایەلە ی فیشە کی یە کەم، بوو بە ژیانەوه یە کی نوێ بۆ گەلی کورد و گەنجانی رۆژەلاتی کوردستان.**

تۆلە ی بەرخۆدانی ۱۴ی جوولای دەبویە لە ئاستیک دا بویە کە لە جیهان دا دەنگی بدایە تەوه. هەر بۆیە شیوازی تۆلە یە ی ریبەر ئاپۆ شیوازیکی کلاسیک نیه و بۆ تۆلە ی هەر هەقالیک قوناغیک ی نو ی لە شۆرش دەست پی دەکات. بۆ نمونە لە ساڵی ۱۹۷۷ دا کاتیک کە هەقال حەقی قەرار شەهید دەبیته، هەندیک هەقال دەلین کە دەبیته یە کسەر بچین تۆلە بگرینه وه، بەلام ریبەر ئاپۆ هەست بەو پیلانگیزیە دەکات کە بریاره بە شەهادەتی حەقی قەرار، تەقگەر کە تازه خەریکه گەشه دەکات لەناو بەرن. دوژمن بەو پیلانە دەیهه ویت کە هەتا گەشە ی نە کردوو ه لە ناوی ببەن. بەلام ریبەر ئاپۆ زانیاری میژوویی لەسەر هەموو ئەو بزوتنەوانه هەبوو کە پیشتر سەریان هەلدا بوو و بە پیلانگیزی دوژمن لە ناو چووون. هەربۆیە بۆ تۆلە ی



بې‌گومان کوردستاني بوونی خویان سہل‌ماند و بوون به پیښه‌نگانی شورشى «ژن، ژيان، نازادى».

ټيمه وهک کومہ‌لگای جہوانانى روژہ‌لاتى کوردستان، به‌لینى خومان دووباره ده‌کەینہ‌وه که ئاوات و ئامانجى ئه‌و شه‌هیدانه بو کوردستانىکى نازاد، له سەر بنه‌ماى بېر و رامانى نازاد که ریبەر ټاپو ٢٦ ساله له ناو زیندان دا پیښه‌نگایه‌تى ده‌کات، به‌دى بینین. چونکه شه‌هیدان به گیانى خویان ئه‌و ریځایه‌بان بو ټيمه رووناک کردوټه‌وه و ریځه نیشاندەرمانن. پیویسته هر گەنجىکى نازادىخواز و به تايبەت کورد، ئه‌وه به باشى بزانی‌ت که بیخه‌م دانیشتن له‌و قوڼاغ‌دا نابیته وه‌لامدەرى ئه‌و هه‌موو شه‌هیده‌ى که گیانى خویان بو نازادى داوه. پیویسته له‌م سال‌دا که دووژمن به هه‌موو هیڙى خو‌ى هی‌رش ده‌کاته سەر گەلى کورد له‌ هر به‌شیکى کوردستان، ریځه‌ى ئه‌و شه‌هیدانه بگرینه‌ بهر و تو‌له‌ى ئه‌و شه‌هیدانه به خو به ریځه‌ستن کردن، خو په‌روه‌ده کردن و به‌شدار بوون له‌ ناو ریزه‌کانى گریلا دا گورزىکى هەرى گه‌وره له‌ داگیرکهران و نه‌يارانى گەلى کورد به‌دين. پیویسته ئه‌وه‌ش بزانی‌ن که گەلى کورد به‌ هه‌لبژاردن له‌ ناو سیسته‌مى داگیرکەردا، ناتوانی‌ت سەرکه‌وتن به‌ ده‌ست بینیت، راسته‌ ده‌بیت که ده‌رفه‌ت ئاوا بوو که‌لک له‌ شه‌رت و مه‌رجى نوئ وه‌گرین؛ بو ئه‌وه‌ى زیاتر خو به

و فه‌رزاد که‌مانگەر له‌ ناو زیندان دا بوون به هیلى به‌رخو‌دان. شه‌هید دیرسیم تو‌له‌ه‌ل‌دان بوو به پیښه‌نگى گه‌نجان بو خو به ریځه‌ستن کردن و هیڙى سه‌ره‌ه‌ل‌دان له‌ ناو شاره‌کان و هه‌روه‌ها شه‌هید تو‌له‌ه‌ل‌دان قه‌ندیل وهک شه‌هیدى هەرى دوایى و به‌ ده‌یان هه‌قالى پیښه‌نگ که هه‌موو ژيانى خویان له‌ پیناو پین‌خستنى خه‌بات و تیکو‌شان‌دا به‌خشى و توانیان خه‌بات بگه‌بیننه‌ ئاستىکى هەرى به‌رز. هه‌روه‌ها شه‌هید مادو‌را نازاد بو ژنان بوو به وره بو تیکو‌شان له‌ به‌رامبه‌ر فکرى پیاوسالارى و هیڙى ده‌سه‌لات. هه‌روه‌ها به‌ دامه‌زراندنى په‌کیتى ژنانى گه‌نجى روژہ‌لاتى کوردستان YJCR توانى خو بگه‌بینیته‌ زوربه‌ى ژنانى گه‌نجى شاره‌کانى روژہ‌لات و ئیران. هه‌روه‌ها به‌ ده‌یان هه‌قالى ژنى پیښه‌نگ وهک زیلان په‌پووله، فه‌راشین جیلباکو، به‌رفین چلچمه‌ و هه‌روه‌ها که نه‌زیک ده‌بینه‌وه له‌ سالروژى په‌که‌مى شه‌هاده‌تى هه‌قال بشه‌نگ بروسک و هه‌قال سارا هوگر ره‌حا که له‌ باکورى کوردستان را خویان گه‌ياندبووه روژہ‌لات و به پیښه‌نگایه‌تى له‌ خه‌باتى روژہ‌لات‌دا ئه‌وه‌یان سہل‌ماند که کوردستان په‌که و ئه‌وه دوژمنه‌ پارچه‌ پارچه‌ى کردوه؛ توانیان به‌ گیانى خویان ئه‌و فکره بشکینن که هەر پارچه‌ى کوردستان ده‌بیت خو‌ى نازاد بکات.



کړنده وهی یارمه تی بو شه ری دژی گریلا. له میژوودا گه لی کورد همیشه خواستی به ده ست هیڼانی نازادی هه بووه و له و پیناوه دا هه ر له تیکووشان دابووه. به لام یه ک نه بوون و هیلی خیانت هؤکاری هه ری بهر چاوه که کورد نه یوانیوه بگاته نامانجی خوی. نه ورؤش دیسان نه و رؤلله چه په له به شی بنه مالهی بارزانیه و نیستا نه وان بوون به ریگه خو شکه ر بو دوزمن و ههروه ها له ناو میدیاکانیان دا، بوون به زمانی دوزمنان و به تومت لیدان له ته فگه ری نازادی ده یانه ویت باری خویان سووک بکه ن. به لام نه وهی که ناتوانیت هه تا سه ر بچیت بی گومان درؤ و چه واشه کاریه. له قوناعی شه ر و زوری و زه حمه تی دا، پیویسته نه وهی به باشی بزاین که هه ر که س و هه ر کانالیک که به زمانی دوزمن قسه ی کرد، ده که ویته خزمه تی دوزمن و خائینه. نه وه پیویسته به تایه ت بو گه نجان روون و ناشکرا بیت. له و قوناعه میژووییه ی که دوزمنانی گه لی کورد بو قردنی گه لی کورد بوونه یه ک، پیویسته گه نجان پیشه نگایه تی تیکشکاندن ی نه و کونسپته بکه ن و بنه هیزی سه ره ه لدان و ریگه نه ده ن به داگیرکه ران و خائینان که ولاتی نیمه ناوا به ناسانی بفرؤشن و له ناوی به ن. پیویسته له و قوناعه دا که دوزمن له په له قاژه ی له ناو چوون دایه، هه ر که س به تایه ت گه نجان رؤل ی سه ره کیان بگپرن و به هه ستانه سه ر پی و هاتنه ناو ریزه کانی گریلا، هیزی رزگاری کوردستان گه وره تر بکه نه وه و بتوانن بنه به شیک له و به رخودان و تیکوشانه، بیگومان به و هه لوپسته ده توانین داگیرکه ری تیک به یین و نازادی کوردستان که گریدراوی نازادی جهسته یی ریبه ر ناپویه، به ده ست بخه یین.

ریکخستن بکه یین و بو گه یشتن به نامانجه کانمان زیاتر هه ولدان بکه یین و بتوانین بیینه یه ک و له قوناعی نوئ دا سه رکه وتن به ده ست به یین.

## گریلا هیوای گه لی کورد و چقلی چاوی خائینانه

له نیسانی ۲۰۲۱ ده ولته تی داگیرکه ری تورکیا به یارمه تی ناتو، پ.د.ک و نه و هیزانه ی که نایانه ویت چاره سه ری له روژه لات ی ناوین و کوردستان دا پینش بکه ویت، هیرشیکی به رفراوانیان کرده سه ر هه ری مه کانی پراستی مه دیا به تایه ت، زاپ، ناواشین، مه تینا. که هیزی گریلا چه ند ساله له وئ خو به ریکخستن ده کات و له هه ر بواریکی تاکتیکی و سه ربازی دا بوته خاوه ن گریلا ی پسپور و گه یشتوه به و تونه سه ربازی، سیاسی، ریکخستنی و ئیدئولوژیکه، که به هیچ هیزیک تیک ناچیت. هه ر وه ک ده زاین سئ ساله له روژناوای زاپ شه ر به رده وامه و گریلا به به رده وامی به چالاکی به کاریگر، گورزی تیک چوون له دووزمن ده دات. نه وه ش به رخودانی گریلا نیشان ده دات و شه ری په وانی دوزمن که ده لیت گریلا ته واو بوو، وه درؤ ده خاته وه.

چالاکی شه هید روژها ت و شه هید نه ردال له ناو دل ی دوزمن دا و له نانکارا سه لماندی که گریلا له هه ر شوینیک و له هه ر شه رت و مه رچیک دا بیه ویت ده توانیت چالاکی بکات و هیچ شتیک ناتوانیت بیته کوسپ له

به رامبه ری. نه و چالاکیه بوو به هیلیک و هیزیک له ناو دل ی گریلا دا، که زایه له ی نه و چالاکیه له ئوپه راسیونه کانی کوتایی سالی ۲۰۲۳ و سه ره تای ۲۰۲۴ به باشی دهنگی دایه وه و

«ناگری له عه رشی روئی به ردا» و دوزمنی تار و مار کرد. ههروه ها به تیکشکاندن ده یان فرؤکه ی بی فرؤکه وان، که بوون به پشت و په نای هه ری به هیزی دوزمن، به چالاکی گریلا له ناسمان و له زه ویدا دوزمنی ناچار کرد که روو بکاته هه ر شوینیک بو

# تولری در مسلخ

شب از نیمه هم گذشته است و من دشنه در مشت، همچنان در کمینگاه به انتظار نشسته ام. نسیمی ملایم می وزد و عطر درهم آمیخته ی سیب و گل سرخ را در فضای باغ می پراکند اما لحظه به لحظه بر شدت اضطراب من افزوده میشود. و آنکه طبل قبيله های وحشت را می نوازد، قلب من است. آرام و قرار ندارم. دلشوره و هیجانی توأمان دست از سرم بر نمی دارند. دسته ی دشنه خیس عرق شده. دشنه را میان دندان هایم می گیرم و کف دست هایم را با گوشه ی پیراهنم خشک می کنم. این بار دشنه را محکم تر در مشت می فشارم تا از حضورش اطمینان یابم. به وضوح کلمه ی «با عشق» را که روی دسته ی آن حک شده، لمس می کنم. یک لحظه ترس برم می دارد که نکند چیزی شنیده باشد و امشب... اما نه! آخر جز آن شخص فرزانه که دشنه را به من داد کسی از اهالی شهر چیزی از ماجرا نمیداند. امشب نیز همچون شب های گذشته خواهد بود. با این تفاوت که اینبار نیرویی شگرف در خود می یابم. بایستی صبور باشم و آماده. به خودم قوت قلب می دهم و همچنان به انتظار می نشینم. ناگهان او را می بینم که از شیب تن دره به پایین سرازیر می شود و به سمت باغ می پیچد. لحظه به لحظه بر شدت کوبش طبل درونم افزوده می شود. به نزدیکی همان بوته های گل سرخ همیشگی که در چند قدمی من قرار دارند می رسد و می ایستد. چهره اش را رو به آسمان شبانه می گیرد و زوزه ی دهشتناکش را سر می دهد. زوزه اش از همه ی شب های گذشته دلهره آورتر و حزین تر است و ماه گرفتگی روی چهره اش از همیشه بزرگتر و تهوع آورتر! آه! آن هم از شبخ که دارد به این سمت می آید. هرچه سریع تر گام برمی دارد تا زودتر به



قربانی‌اش دست یابد. از دروازه‌ی باغ گذشت و اینک درست در کنار قربانی که همچنان زوزه می‌کشد، می‌ایستد. صدای طبل درونم بلند و بلندتر شده و اوج می‌گیرد. همه‌ی وجودم را رعشه‌ای فلج‌کننده فراگرفته است. قربانی دیگر بار چهره‌اش را به سمت آسمان نشانه گرفته تا زوزه‌ی دردآلود دیگری سر دهد. شیخ سرش را به چهره‌ی او نزدیک می‌کند. لبانش را که به ماهگرفتگی روی صورت قربانی نزدیک می‌کند، میفهمم زمانش فرا رسیده است. نعره‌زنان از کمینگاه خارج می‌شوم و دشنه را تا دسته در سینه‌ی شیخ فرو می‌کنم. صدای زوزه و آوای مهیب طبل درهم می‌آمیزند و من ناله‌کنان نقش بر زمین می‌شوم و ...

... نسیمی خنک که از میان بوته‌های گل سرخ میگذرد، گونه‌های تب دارم را نوازش می‌کند. پلکهای سنگینم را آهسته از هم می‌کشایم. صبح است. نیم خیز می‌شوم. اندکی آن سوتر، جسد شیخ همچون ماری مرده درازبه‌دراز روی تلی از خاک افتاده است. نوک دشنه از کمرگاهش بیرون زده و جا به جا خاک پیرامونش از خونی دلمه‌بسته سیاه شده است. از قربانی و زوزه‌های ترسناکش خبری نیست. از جایم برمی‌خیزم و به طرف نعش می‌روم. کنارش چمپاتمه می‌زنم. دست‌هایم را دور کمرش حلقه می‌کنم و با تقلا هیکل اهریمنی‌اش را به رو برمی‌گردانم. همین که چشمم به چهره‌ی شیخ می‌افتد، دوباره همه‌چیز دور سرم به چرخش درمی‌آید و چشمانم سیاهی می‌روند. ...

... دقایقی است که از شدت گرما بیدار شده‌ام. عرق سرتاپای پیکرم را فراگرفته است. خورشید در قلعه‌ی آسمان ایستاده است. ناخودآگاه نگاهم به سمت نعش دوخته می‌شود. تیغه‌ی دشنه سرتاسر سینه‌اش را از هم دریده و کلمه‌ی «باعشق» که روی دسته‌اش حک شده در نور آفتاب می‌درخشد. دوباره چیزی در درونم چنگ می‌زند و احساس تهوع همه‌ی وجودم را دربرمی‌گیرد. همینکه نعش را برگردانده و چهره‌اش را دیده بودم شناخته بودمش. آری! شبیه هیچکس دیگری نبود جز خود من!!

خود من بود، با چهره‌ای که از شدت درد درهم پیچیده بود. ناگهان احساس اندوهی ژرف و گدازنده در درونم دویدن گرفت. با زحمت از جا برخاستم. به کنار نعش رفتم و تا شب، بر مرگ خود تلخ گریستم و مویه کردم! ...

... شب است. نسیم معطر به بوی سیب و گل سرخ در باغ وزیدن گرفته است. ساعتی است که از به‌خاکسپاری نعش فارغ شده‌ام. احساس می‌کنم حالت‌م دیگرگون شده است. وظیفه‌ای را به انجام رسانیده‌ام که جز آن گریزی نداشته‌ام. شبی که با هر بوسه‌ی زهرآگین و مرگبار، ماه گرفتگی چهره‌ی قربانی را وسیعتر و وحشتناک‌تر می‌نمود اکنون مرده است.

از کنار گور سرد شیخ که زیر یک درخت سیب سرخ قرار دارد بلند می‌شوم تا به کنار



چشمه بروم. بایستی آبی به دست و صورت خاک آلودم بزنم و گلویی تازه کنم. آهسته آهسته در باغ قدم می زنم. به لب چشمه که می رسم، می نشینم. جویباری باریک از آب چشمه در دل باغ جاریست و تا پای درختان سیب ادامه می یابد. سرم را روی حوضچه‌ی چشمه خم می کنم تا اندکی آب بنوشم که ناگهان چهره‌اش در آب ظاهر می شود. نی لبک نقره‌ای رنگی که کلمه «با عشق» روی آن حک شده را در دست دارد و با چشمان پرفروغش به من نگاه می کند. عجیب آنکه چقدر شبیه به خود من است!! ... شبیه به کودکی هایم.

شروع به نواختن نی لبک می کند. آوایی سحرانگیز و رؤیایی در سرتاسر باغ می پیچد. متحیر و ناخودآگاه دستی به چهره‌ام می کشم و لبخندی بر لبانم نقش می بندد... آوای نی لبک هرچه بیشتر اوج می گیرد و من می بینم که از ماه‌گرفتگی روی صورت او هیچ اثری باقی نیست!....

ربوار آبدانان



# بۇ بىرائىنى شەرھىد سىمگۈ سەرھەردان و ھەممۇ ھەرقاڭگۈلەر شەرى قەندىل دا شەرھىد كەرتەن

كاتىكى دىل لە داىك بووى

ئىتر ئەستەمە كوچە و شەقامەكانى شار نەبن بە  
دەمارەكانت

چراى چاوەروانىان لەتەك چەلدانى تۆدا ھەلنەبىت

كە بووى بە دلئىكى پىن ھەلگرتوو

رەوتى ھەنگاو و كوتەى دلت كرده مؤسيفا

ئىتر لادىيەك نەما كە ورتەى تىنەكەوئ

پىرە دارىك نەما كە خوربە ھەلپنەگرئ و لىوڤرئ نەبئ

لە ژيان

ھىلى ھىلى پىرە بەرد و پىرە قەزوان بۆت ھانتە گۆ

بەسەرھاتى ئەو مرۆفانەيان بۇ دەگىرپايەو

بوون بە رووبارى خرۆشان

بە چىاي ئەستەم

بوون بە رىگا

تۆ گوپچەكى دلت ھەلدەخەى و ئەوان زارى

مىژووت بۇ دەكەنەو

لە سەردەمپىكدا كە چىابوون ھىشتا باو

ھەلۆيانە بىر كەردنەو ھەلرەتتىكى با لگرتوو

سەير نىيە گەر ھەموو شەوئ شاخ لە خەونت دا

گىنگەل بدا

دەستى نامازەى چەم بىنى، رايدىرئ بەرەو تاقگە بوون.

حىلەى ئەسپى شاخ لە ماھى بەژن تدا زاىەلە و

زاىەلە بىستى و بە

چەپۆكانى وەخەبەرت بىتى

بنواری كە خەرىكە دەمارەكانت لەتەك رەگەكانى

شاخ تىكەل دەبن

ئىتر دژوارە بتوانى ئۆقرە بگری

كاتىك ھەلۆ ئەزانى لەسەر شانى تۆ بنىشپتەو

لەسەر بەردىنە

زولفى چىا

رەووز پەنجەرەى بەرەو ئاسۆى بۇ كرديتەو

بۆى خەملاندى بەو شلىرەنەى خەرىكن سەردەسوون

بە خاكەو و تىر نابن لە

مەلەوانى لە گلپنەى خاكدا

بازى ئەندىشە لەسەر دەستى خەيال ھەلدەفرىتى تا

نپچىرى بكا جوانترين ئاواتى ھەزارەى حەيران كوژ

كە چىا مرۆفى خۆى ھەلپژارد

لە خوئىنى خۆى تىكەل دەكا

خوئىنى بوركانەكانى دەھەنوئتە ھەناوى

فېرى دەكا مانگ لەسەر بنئ

بەيانان بە يەكەم تىشكى گزىنگ گلپنەى چاوى بشوا

فېرى دەكا كانياوانە بدوى

وەك ئاپۆرەى بەرد ب ىدەنگ بئ و قوول

وەك ھەرەس لە ناکاو بىت و رامال

فېرى دەكا وەك رەووز لە بەرامبەر ھاوار و نالە،

زرىكە و قىژە ب ىدەنگ نەبئ

باتەى كاتەو

بىئ بە زىجىرە و لىزگەى دوور و درىژ

وەك چىا بە تەنيا نەژى

بە ئەندىشەى دۆلدا پرواتە خواری، بە ئارەزووى

بەرزدا سەرکەوئ

فېرى دەكا وەك كانى ئاواتى شىنى دەريا لە ھزر یدا

پەنگ بخواتەو

وانەى بەدەريا گەيشتن بۇ رىئواران بلىتەو

فېرى دەكا

چۆن ھەورە بەرپەوازەكان

ھەورە سەرگەردانەكان

ئەوانەى نازانن چەخماخە لىدەن  
لە دەۋرى يەك كۆكاتەۋە و بېتتە مەكۆى ھەۋرەكان  
شمشېرى برووسكەيان بداتە دەست  
پريان كا لە ھەرپەشەى تەرزە بۆ تەزاندىن  
لە نەغمەى شى ئېۋون بۆ ھەلدان  
فېرى دەكا كە دالە بى بۆ ب يلانە و بى ئەنواكان  
د لئاۋالە بى ۋەك ئەشكەوت بۆ مېواندارى  
كە چيا مەۋئى خۆى ھەلدەبژىرى  
فېرى دەكا چۆن

پر ئازار بېت و برى نئاژەن بەلام دەم بە خەندە  
ئازار چىشتوو بېت، ئارام و ب يەنگ  
بەردەنۋوس بېت و دەفتەرىش  
بەندەن بېت و بەند ئەكرى  
ھەزار بەردەنۋوسى بېرەۋەرى ھەلگىرى بۆ داھاتوو  
فېرى دەكا

ئەندىشەى بەفرى پاك نەبىن لە سەرى ئەنى  
فېرى دەكا چۆن شەى ب يھىز پەرۋەردەكا و بىكا بە  
كژەبا

ھەناسەى خاۋىن بېت و ھەلدېرى بەسام  
بە چۆ كدا نەيا بەلام بەردى بناغەى مالە ھەزارىك بى  
بەلئ فەرماندارم

ھەلېرېردراۋى چيا سەركەشەكانى كوردستانم  
چىايەك بە خشىلى گرىلاۋە  
ھەموو رۆزى لە شوپىن پىكانت لە پىدەشتى پرا و  
ئىماندا چيا ئەرۋى

بانگەشەى كۆبۈنەۋەى پۇلە گرىلا ئەچرى  
رۆژ نىيە گرىلا لە دەرسىمى قژەكانتەۋە

ھەتا بەحرى رەشى چاۋەكانت

لە روۋى بە خەندەى ئەرزەرۋمتەۋە

ھەتا سەرحەدى ئەندىشەت و زاگرۋسى بەژنت

لە بۆتانى بۆتتەۋە

تا ئامەدى ناشنايبت

دوژمن نەھارن  
لە ئىلامى لاجانگتەۋە  
تا كرماشانى شانت  
لە سىروانى وانەكانتەۋە  
تا سنى سادەبېت

لە پاۋەى پر تاسەى پىنەكانتەۋە  
تا كاميارانى يارمەتيدانت  
لە سارالى دەستەكانتەۋە  
تا مەريۋانى مەچەكت  
تەنيا چەكى تۆيە كە دەنگى دى  
فەرماندارم

لە سەقزى سىنگى بوركانت  
تا موكرىانى مژۋلەكانى سىلەت  
تا بانەى پابەندىت  
لاۋى تازى پىگەشىتۋى رۆژھەلاتە

سەۋداسەرى پىشەنگىتە  
لە ماكۆى مژدەبەخشىتەۋە

تا ورمىى ورەبەرزىت

گەنجى ئاۋاتى تۆيە ترس لە بەژنى دادەمالى و بەرگى

پراۋى تۆ لە بەر دەكا

فەرماندارم

ئېمە ئەۋرۋق پرىن لە تۆ

دوژمن ھەموو رۆژى پىستى ترس فرېدەدا لە گرمەى

بوركانى نەسەرەوتنت



# دوو ژنی عه گید

## دوو پیشه‌نگی گه‌نج

نهدرا ژیهات

به‌رخۆدانه‌یه که له که‌سایه‌تی ژنی ره‌سه‌ندا ده‌بیت به‌ ئیراده.

له‌ ناو پراستی پ‌ک‌ک‌دا، ناسینی هه‌موو زانسته‌کان به‌ خۆناسین‌دا تێپه‌ر ده‌بیت. ئەوه ده‌بیت به‌ حه‌قیقه‌تی ئینسان، که‌ ئە‌گه‌ر له‌بیر بکری‌ت ئە‌وا می‌ژوو و مرۆ‌فایه‌یه که‌ قه‌ت له‌بیری ناکات. هه‌ر منالێکی کورد وه‌ک چۆن پێویستی به‌ نان و ئاو و هه‌وا هه‌یه، پێویستی به‌ می‌ژووش هه‌یه.

له‌سه‌ر خاکی کوردستان، خۆشه‌ویستی به‌ره‌رووی ق‌ر‌کردن هات‌بوو. خۆشه‌ویستی ژنی کورد به‌ده‌ر له‌ خۆشه‌ویستی خاک،

دوو پیشه‌نگ، دوو قاره‌مان، دوو بو‌پ‌ر و دوو گیان‌فیدا؛

رۆ‌له‌کانی کوردستان له‌ ئامی‌زی خاکی دایک داناب‌رین. له‌ کوردستان، می‌ژوو به‌ به‌رده‌وامی شاهیدی بۆ هه‌بوونی ئە‌و ژنه‌ بو‌یرانه‌ داوه که له‌ شه‌رێکی هه‌میشه‌یی دان. له‌ کوردستانی گه‌مارۆ دراودا، رۆ‌له‌کانی کوردستان به‌ دلێکی پۆ‌لا، سه‌ره‌رای هه‌موو ئیش و ئازار، له‌ ناو خۆراگریه‌کی بێ‌وچان دان. له‌ ناو جه‌رگه‌ی ئە‌م خۆراگریه‌ به‌نرخ و دێرینه‌دا، هه‌ر سات مرۆ‌فی ئازاد پێ‌گه‌یشتن. له‌ کوردستان‌دا مرۆ‌قه‌کان ئاو‌پته‌ی به‌رخۆدان بوون و ئە‌و

پىناسىيە كى تى قەبۇل نەدە كىرد. لەسەر ئەو خاكە پىرۆزە منالىك لە جەزىرى بۇتان و منالىك لە رەحاي رەنگىن، چاوبان بەرپووى دوونىا ھەلپىنا. **بشەنگى دەلال لە**

**جىزىر و ساراي جوان لە**  
**رەھاو، بەرەو پووى**  
**پراستى كوردستان**  
**بوونەو و شاھىدى**  
**زۆرىك لەو پراستىانەيان**  
**كىرد.** ئەو دوو ژنە تىكۆشەر و قارەمانە، بە چىرۆكى جوامىرى و كەلتوورى كوردستان گەورە بوونو پىيان گرت. پەجۆرى ئازادى لە ناو دلى ھەردوو شوخ

و شەنگى كوردستانى دا، دەگەيشتە وەلامى خۆراگرى و بەرخۆدانى. ئەو دوو ژنە قارەمان و رەسەنە، خۆراگرى ھەييان بەس نەدىت و خۆيان سپارتە ئەو ناوئەندەى بەرخۆدان كە قەت تىك ناچىت. خۆيان سپارتە رېبەر ئاپۆ. لە پراستى رېبەر ئاپۆ و كوردستان دا قوول بوونەو و ئاوتتەى ئەو تىكۆشانە بوون.

لە ناو دلى ھاوړى بشەنگ و سارادا تا دەچوو تىكۆشان بەگۆرتەر دەبوو. داگىركەرى لەسەر كوردستان، ھۆكارى سەرەكى بەشداربوونى سات بە سات بەھىزترى ھەر دوو ھاوړى و ھەقال بوو. تادەچوو رك و قىنيان بەرامبەر دووژمن زۆرتەر دەبوو. خۆشەويستى واتادار و روھى تىكۆشان ئاوتتەى يەك دەبوون. بشەنگ و سارا ئەو دوو خۆشەويستە بوون و روھىش

رېبەر ئاپۆ بوو. لەگەل رېبەر ئاپۆ ھاوړىيەتى كىردن سانا و ھاسان نىە. ھەر دوو پىشەنگى رېگەى تىكۆشان بو ھاوړىيەتىەكى راست، لە گيان و روھى خۆيان بەخشى. ھاوړىيەتى لەگەل رېبەر ئاپۆ ژيانىكى ھەمىشە رازاوە بە شەر و تىكۆشان دەخوازىت. بو ئەو ھاوړىيەتىە ساكارى و پاكبوون پىويستە. پىش ھەر شتىك زولال بوونى تىگەيشتن لە رېبەر ئاپۆ دەخوازىت. شەھىد بشەنگ و شەھىد سارا لەماوئەكى كورتدا توانيان لەو بوارانەدا قوول ببنەو و پىشكەون. بە ژىردارىەو و ھەرك و بەرپرسىارىەتيان ھەرگرت و لە راپەراندنى بەرپرسىارىەتى دا خاوەن



ھەلويست و ھەنگاوى كىردارى بوون. **وھك دوو ژنى گەنج، وەلامى ھەرى پراست و رادىكالى پرسىارى، چۆنىەتى «پراستى رېبەر ئاپۆ لە كىرداردا» بوون.** بە وزەى گەنجىتى و بە تىكۆشانى رادىكالىيان، ھەقالى بژاردە و جىگەى ئامازە بوون. خۆشەويستى گەل بوونو لەناو گەنجان دا پىشەنگ بوون. لە شەرت و مەرجى ھەرى دژوار و زەحمەت دا، بارى قورسى تىكۆشانىان ھەلدەگرت و بە عەشق و كەيف خۆشەيەكى لەرادەبەدەر ئەركەكانيان پىك دىنا. سەرجمى ئەو تايەتمەندىانە، ھەردوو كچە ئازا و دلپەرەكى دەكىرد بە نمونەى ھاوړىيەتى

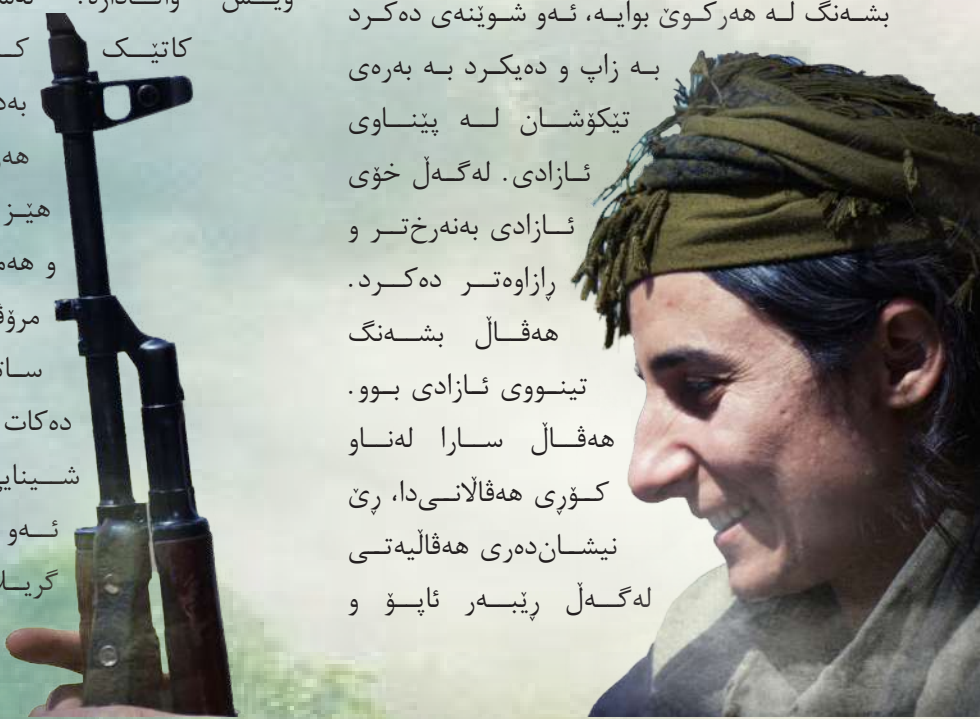
هاورپيه تى راسته قين بوو. بهها پيروزه كان له لاي هه فال سارا، سات به سات گه شه يان ده كرد و گه وره تر ده بوون. تا دوا هه ناسه به شيوازي ژيان و تيكوشانى، فيرى كردين كه چون راست و به درووستى بژين. ههردوو كچى كوردستانى، به شداربوونيكى روو كه شيان په سهند نه ده كرد و خاومن ده ركه وتن له بهها پيروزه كان ببوو به شيوازي ژيانيان.

گريلا له شاخ و شوينه ئاسته مه كان دا ژيان ده كات و بو گريلا به راسته رېگادا رپيوان سه يره و هيچ جيگه ي سه رنج نيه. ئه وه ي سه رنج راكيشه رې پيوواتنى نيوان شاخى بلىند و تهخته به رده ئاسته مه كانه. ئه وه ش كارىكى هه ر رۆزى گريلايه، كه بووه به به شيكى ده نه براو له ژيان. ژيان كردن له سه ر چياكانى كوردستان هه روا هاسان نيه. كاتيك كه شه ريشى له سه ر زياد بيت، ئه و يه ك چهند هينده زه حمه ت تره، به لام بارته قاي و يش واتاداره. له سه ر لووتكه ي چياكان كاتيك كه مرؤف ئه و واتايانه به ده ست ده هنييت، هه ره مه مووى ده بيت به هيز و هه بوونيكى هه رمان و هه ميشه بى له ناو دلى مرؤقه كان. له كات و ساتيكى وا، مرؤف هه ست ده كات كه گه يشتووه ته شينايى ئاسمان. ئه وه يكه ئه و سات ده به خشپته گريلا و وابه سته ي ده كات،

راسته قين و له ناو دلى هه ر هاورپيه كيان دا، خو شه ويستيان هه رمان ببوو.

### له ناو ته فگه رى ئاپويى، جهوان بوون به واتاى فه داىيى بوون له هه ر سات و كاتى ژيانه.

هه فال سارا تيكوشه ريكى بې راوه ستان و هه فال بشه نگيش هه ر ساتى ژيانى تواندنه وه ببوو له ناو تيكوشان. وه ك ژن و وه ك گه نج، ههردوو هه فال نمونه ي ديارى به فيداىي و گيان به خشانه ژيان كردن بوون. له هيلى رپه ر ئاپو دا، گه نجان له بوارى ئايدئولؤزى و رېكخستنى خاومن هه لوپستن. هه فال بشه نك و هه فال سارا رېگاي شكاندنى گو شه گيرى سه ر رپه ر ئاپويان به تيكوشانيكى به هيز له ژيان و به به شداربوونيكى راست له قوناغ دا، نيشان داين. ئه گه ر ئه ورؤ گه نجان و ژنانى كوردستان به ئيراده يه ك بؤلايين و پيدا گرانه له زاپ و به ره كانى به رخودان شه رده كه ن، ئه و يه ك له گه ل ناسنامه ي گه نجيه تى غه ريب نيه. هه فال بشه نك له هه ركويى بوايه، ئه و شوپنه ي ده كرد به زاپ و ده ي كرد به به رى تيكوشان له پيناوى ئازادى. له گه ل خو ي ئازادى به نه رخ تر و رازاوه تر ده كرد. هه فال بشه نك تينووى ئازادى بوو. هه فال سارا له ناو كورى هه فالانى دا، رې نيشان ده رى هه فالپه تى له گه ل رپه ر ئاپو و



دایه و کار ده کات. جووله و پښ گرتنی هه قال بشهنگ له ناو شوړش دا، وهک نهو گوله نهرگزه یه که دلی بهرد ده قه لشی نیت، د پرویت و بالا ده کات. پیداکری بو سهر که وتن و خو له نامانچ دا کلیت کردن، نیشانی هه موو مرؤفه کان ده دات و ده یان خاته سهر ریگی گه یشتن به سهر که وتن. هه قال بشهنگ لهو ریباریه تیه دا گه یشته لووتکه ی به زری ئازادی.

هه قالیه تیه. نهو هاوړیه تیه، چیاکان وهک لانکه ی ژیان واتادار و خو شه ویست ده کات. حازر بوونه له بهرام بهر چیا، حازر بوونه له بهرام بهر خوداوه ننده کان. نهو هیکه حزووری خو ی گه یانده لووتکه، زیاترو زیاتر نه زیک ی ئازادی ده بیت. لهو بواره دا هه قال سارا و هه قال بشهنگ دوو ژن، دوو مرؤقی ئازاد بوون. هه ساتی ژیان به رهو ئازادی ههنگاو هه لگرتن، له هه دوو هه قال دا بهرچاو بوو. هه قال بشهنگ و هه قال سارا تا دوا حوچره یان له ئازادی دا تانه وه و له گه لی یه کانگیر بوون.

دژوار بوونی هه قوناغیک  
له تیکو شان، دهر که وتنی  
پیشه نکانیک که وه لامده ری  
خواسته کانی شوړشن له گه ل  
خوی دینیت.

دژوار بوونی هه قوناغیک له تیکو شان، دهر که وتنی پیشه نکانیک که وه لامده ری خواسته کانی شوړشن له گه ل خو ی دینیت. نهو تیکو شانیه که چاره نووسی گه لان دیار ده کات و پیشه نکانی نهو تیکو شان هه رمان ده بن و ده بنه نمونه ی دیاری شوړش گپری. شوړش گپری له ناو ته فگه ری ئاپوی به پیشه نکانیه تی ژنانی گه نجی وهک بشهنگ و سارا کان، بوو به نمونه بو شوړشی مرؤفایه تی. پیویسته وهک گه نج، پیشه نکانی نهو شوړشه بکه ین به نمونه و سویند و په یمانی سهر که وتن و گه یشتن به ئازادیان له گه ل به ستین. نهو که سایه تیه یه که ده توانیت بگات به سهر که وتن و مسوگه ری شوړش به ده ست بهینیت. تابه تمه ندی سهر که شوړش گپری ئاپوی نهو هیه که، له نامانچ دا به ئاکام ده گات. کاتیک که مرؤف چاو له به شدار بوونی هه قال بشهنگ له ناو ته فگه ری گه نجان و له ناو حه رکه تی ئاپوی ده کات، ده بینیت که چو ن بو سهر که وتن له نه رکه کانی دا به به راوه ستان له جموجول

بو نهو هیکه بزاین ژنیک ی شه رکه ده بیت چو ن بیت، نهو هه قال سارا له پیش چاو و دیده مانه. چاوی به رووی ناحقی و بی عه داله تی دا نه ده گرت و تیکو شانیک ی به هیزی له بهرام بهر دا ده کرد. عه شق و خو شه ویستی هه قال سارا بو ری بهر ئاپو و کوردستان، هوکاری گیان به خشانه ژیان کردنی بوو و لهو ژیانه دا بو هه رچه شنه گیان بازی به ک بی دوودلی ئاماده بوو. له زولالی چاوه کانی دا ده گه یشتیت به وه لامی نهو هیه که «ژنی کورد و دل و میشکیکی خوړاگر به وینه ی پولا، ده بیت چو ن بیت؟» له خو شه ویستی و پیشخستی هاوړیکانی دا،

«نه گهر ئیستا نه بیټ، که ننگی بیټ؟»  
 ده بیټ بزاین و ئیستا کهش درهنگه. نه گهر  
 گه یشتن به ئازادی هاسان با، نهوا ئیچی  
 شورش تا به نه واده زور نه ده بوون. ئیش و  
 نازار کاتیک کۆتایان پی دیت، که شورش  
 مسوگهر بیټ و پیک هاتیټ. نهوه بکه نهو  
 شورشهش بهرپا ده کات، نهو شورشگیرانهن که  
 هیچ کات ههنگاو بهرهم دواوه هه لئاگرن  
 و بهردهوام له بهرهم پی شچوون دان.  
 مرؤف له که سایه تی ههردوو هه فال  
 دا، نهوه بکه وهک گهنج، وهک  
 شورشگیریک ده بیټ چوون  
 ژیان بکه تی، چی  
 بکه تی و چوون شهر  
 بکه تی، به روون و  
 زولالی ده بیټ.  
 فیدایی بوون،  
 چالاک بوون و  
 له ناو چالاکي دا بوونه. خوشه ویستی وه لات  
 شهریکی قورس و بی راوه ستانی ده ویت.  
 هه ربویه ئیمهش وهک رؤلهی نهو گله،  
 ریگای هه فال بشهنگ و هه فال سارا به  
 ههنگای قایم بهردهوام ده که یین و ده له یین:  
 «نه گهر ژیانیک هه بیټ با ژیانیکی به شه پرف  
 بیټ». شهرفی شورشگیریمان به بهردهوامی  
 دان به ریگای نهو هه فالانه و اتادار ده که یین  
 و مانای پی ده ده یین. سویند و به لئیمان،  
 بهردهوامی دان و رېبواریه تی ریگهی شه هیده  
 به نه رخه کانمان بیټ



وهک ماموستایه ک فکر و رامانی ریبه ر ئاپوی  
 ده گه واسته وه و فیروی ده کردن. ههروه ها خوشی  
 له ناو رامانی ریبه ر ئاپودا تواند بووه. قاره مانیه تی  
 ره حای رهنگین، نهو شوینه پیروزی که ریبه ر  
 ئاپو لپی له دایک بووه، له روح و گیانی خویدا  
 به ئاویته بوونی له گهل ریبه ر ئاپو پی ده گه یاند.  
 هه فال سارا ئازادی جهسته یی ریبه ر ئاپو  
 ده کات به ئامانجی سه ره کی تیکوشان و سویند  
 ده خوات که تا وه دی هاتی ئامانجه که ی،  
 بو ده قه یه کیش رانه وه ستیت له تیکوشان.  
 له بهرام بهر هه رچه شنه هیرشیکی  
 دوو ژمن خاوهن هه لوئیستی ملیتانی  
 ئاپویی بوو. به هه ستیاریه وه  
 له نه رخه کانی ناو  
 ژیان و هه فالانی  
 نه زیک ده بووه.  
 له په ره پیدان به  
 ته فگه ری ئاپویی  
 خاوهن رهنجیکی به هادار و بهرچاو بوو. به ده یان  
 گهنج له که سایه تی هه فال سارادا ده یانینی؛ که  
 ئاپوچییه کان کینه و چینه و چوون ژیان ده که ن.  
 له هه فال سارا به کاریگه ر ده بوون و روویان له  
 چیا ئازاده کانی کوردستان ده کرد.  
 هه ر بویه پیویسته که ژنانی گهنج و گهنجان  
 بینه شوینکه وتووی نهو هه فالانه و روو له  
 مه پدانه کانی تیکوشان بکه ن. ده بیټ گهنجان  
 به رک و قینیکی مه زن، بو تولهی سالان  
 روو له چیا ئازاده کانی کوردستان بکه ن. هه ر  
 ژنیکی گهنج و هه ر گهنجیک ده بیټ بیټ،  
 به هاوړی سارا و هاوړی بشهنگ. له سه ر





## تیلۆشان بۆهه بوون

فياض هملو

پياوسالار شوينىكى بۇ ژنان نههيشتووه كه به ئارامى و دور له بشيوى تيايدا ژيان بكن. لئاو بنه ماله دا (بنه ماله ويناى دهولهتى بچووك) ژن تهنيا كارگه ريكى ههزرانه كه بئ هيج چهشنه مافيكى ژيان و بئ بهرامبهر كار دهكات. تهنيا پهيوهندي ژن و پياو له سهر بنه مای پهيوهندي جنسى، بۇ پيشوازي كردنى خواست و ويسته كانى پياوه كه به دهركهوتنى سيستمى مؤديرنيتيهى كاپيتاليسىتى ئهو بارودؤخه خهراپتر و قوول تر دهبيتوهه. ژن كراوه به مهتاح (كالا) و جهستهى ژن رؤژانه بهريگهه ريكلام، كرين و فروشتنى پئ دهكرى. شارستانيهتى كاپيتاليسىتى، ههبوونى خوئى له گرهوى لئاو بردنى ژن دا دهبينيتوهه. به خستنى ژن، سه رجهم نه رخه كانى كؤمه لگاي ئه خلاقى-

له ميژووى مرؤفايه تى دا ژنانى تيكؤشهر و خؤراگر خاوهن جيگه و پيگهيه كى ديارن. پيوسته ئيمهش وهك ژنانى گهنج ئهو ميژووه بناسين و لئى به خاوهن دهركهوين. له ميژووى به لار پيداچووى دهسه لاتدارى دا به بهردهوامى زهينيه تى پياوسالار له ههولدان دابووه كه ژن بكا ته ملكى پياو، دهنگى كپ بكات و خؤشه ويستى ژن بؤ ژيان له ناو ببات. بؤ پيك هينانى ئهو ئامانجه، به سالانه هيرشى ههبوونى ژن دهكات. به شيوه گهلى وهك شكاندنى ئيراده، دهست دريژى و به كؤيله كردن، ژن دهكات به ملكى خوئى. ميژوو شاهيدى زؤريك لهو ژنانهيه كه له بهرامبهر زهينيه تى پياوسالار و كردهوه كانى دا، بويرانه راوه ستاون و خؤراگر يان نواندوهه. زهينيه تى

بارودوخه له خومان دا بئافرینین. له ژيان دا هۆکارگه لیکي زور ههن که بؤ ئیمه بین به سرچاوهی هیز و بین به هیوا بؤ ژيان و تیکوشان کردن له پیناوی ژيان.

له تهواوی میژوو و پوژی نه مړوکه شمان دا، هیچ که سیک وهک ریبه راپو نهرخ و بهای نه دا به ژن. ریبه راپو به فلسفه ی خوی نیمه له کویله تی رزگار کرد و ریگای نازادی به نیمه ژان نیشان دا. «ژن ژيان نازادی» نه و فورموله نه فسووناوییهی که هلقولوی فیکر و فلسفه ی ریبه راپو به و له شورش روزه لات دا شیوهی به خشی به ژيان، تیکوشان و راپه رینی گه لان و له جیهان دا دهنگی دابهوه. له شورش «ژن ژيان نازادی» به پیشه نگایه تی ژنانهی گنج، وا بینیمان نه گهر هیزی ژان بیت به یهک، هیچ هیزیکی زورداری خوسه پین بهرگه ی شه پولي راپه رینی ژان ناگریت و تیک ده چیت. به سالان له لایان زهینیه تی پیاسالاره وه به گویمان دا چرپان دیان که «ژن ناتوانیت، بی هیزه و ته نیا کاری وی منال

سیاسی له ناو ده بات. بؤ نه وه یکه ژنانهی گنج نه بن به خاوه نی ئیراده، هزر و سوز (گوتن)، بهر وه هاوسه رگیری یان په یوه ندی به لاری دا چوو ناراسته یان ده کات و شیوه یان پی ده بات.

له پوژی نه مړوکه مان دا زهینیه تی پیاسالار، به تاییه ت له روزه لاتی کوردستان و ئیران سرجه می نه و شیوازانیهی خستمانه بهر باس، به ریباز گه لیکي زور ورد له سره ژنانهی گنج پهیره وه ده کات. و سرجه م ده رفه ت و هلی ژيان بؤ ژان له ناو ده بات. نه و به ناو ژیانیهی که به سره ژان دا سه پاره، جیا له توندوتیژی، بی ریزی و ده ست دریزی شتیکی تر نیه. هر بویه زوریک له ژنانهی گنج له خوزگه خواستن بؤ کوتایهی هاتنی ژيان و مردن، یا خو ده کووژن یان له لایان باوک، برا، هاوژین و ده وله ته وه ده کووژین. نه مړوکه له هر چورالای ولات و جیهان، ژنانهی گنج بهر وه پرووی زوریک له و هیرشانه ن. به لام ده بیت بزاین که ریگه ی خلاسی و چاره سهری خو کوشتن نیه. ده بیت بگه ین به ئاستیکی بهرز له زانست و هیزی تیکوشان کردن و بهر هنگار بوونه وه له گه ل نه و



به فكري رېبەر ئاپۇ جوان بوون و رازاوه بوونى  
ژن و ژيان بېنين. به جيگه ژيان كردن له  
دوزه خى سازدراو بو مان، با ژيان بو دوه لته تى  
پياوسالار بكه ين به دوزه خ. وهك ژنانى  
گه نچ با له بېرنه كه ين كه به هيزى خومان  
ده توانين زه ينه تى پياوسالار تيك بدين و  
ژيانىكى ئازاد بئافرينين. با ژيان به رهنكى  
ژنه وه سهرله نوئ بخولقتينين و برازينينه وه.

هينانه وه يه». به لام له شوپشى «ژن ژيان  
ئازادى» دا به روونى بېنينمان و بو مان دهر كه وت  
كه كاتيك ژن راده پريت، وا چوار ستوونى  
ده ولت و سيستمى پياوسالار ده خاته لهرزه  
و ده يخاته سهر ليوارى تيك چوون. ههر بويه  
رژيمى داگير كه له قوتابخانه كانيش دا ژنانى  
گه نچى كرد به ئامانچ و به سهدان ژنى  
گه نچى ژه هراوى كرد و خستنى ناو زيندان.  
به ئەشكه نجه و له سي داره دان، به ئامانچى  
ترساندن و پاشه كشه پيكردن ههر شه يان  
ليكرا. ئيستاكه ش رۇژانه يهك يا دوو ژن روو  
ده كه نه خۇكووژى ياكوو ده كوژرين. ئەوه ش  
ئهو واقيعه به ئيشه يه كه پيمان ده لىت  
ته نيا له نيوهى دووه مى مانگى جو زهران  
و نيوهى سهره تاي پووشپه ردا (يهك مانگ)، ۴۰  
ژن گيانيان له ده ست داوه. ئەگه ر ژنىكى گه نچ  
خۇ ده كووژريت يا ده كوژريت، ئەوه به ده ستى  
پياو ده كر يت و زه ينه تى پياوسالار بكه رى ئەو  
تراژيديا يه يه. ههر بويه له ناو ئەو سيستمه دا  
هه لى ژيانىك كه ژنانى گه نچ بتوانن به  
ئازادى ژيان بكه ن و فكر و هه ستى خويان  
به ئازادى دهر بېرن، نه ماوه. ئەوه ش هۇكاره  
بو بى هيو بوونى ژنانى گه نچ و گه يشتن  
به و قه ناعه ته كه ناتوانن بنه ما زه ينه تيه كانى  
ئهو رژيمه داگير كه ره هه لوه شينين. به لام  
كاتيك كه له ميژوو دهر وانين، ده بېنين  
كه به هيزى ژن ده توانين كو مه لگا بگورين و  
زه ينه تى داگير كه ر و سهر جه م له ق و پويه كانى  
هه لوه شينين. وهك ژنانى گه نچ، ژيانى ئازاد  
مافى سهره كى ئيمه يه و ده بىت بزائين  
ئهمرؤ كه ش له ناو ئەو گيژاو و قه يرانه ي كه  
زه ينه تى پياوسالار بو ژنان سازى كردووه،  
زور دهر گاي روو له ئازادى به روومان دا كراوه ن.  
هزر و فه لسه فه ي رېبهر ئاپو بو ته واوى  
كو مه لگا و به تاي به ت بو ئيمه ژنانى گه نچ،  
سهر چاوه ي هيز، ئيراده و ئازاديه. به جيگه  
ئهو يكه به ره موپيلى مردن بچين و له به رامبه ر  
چاره نووسى ره شى هه يى دا سهر دانوئينين، با



قلمر  
فرهنگ و سینما



# پشت پرده‌ی سینمای گری کورد و راستی‌رکانی دینامیزمی شورش

سواره شاهۆ

که سینمای کوردی بو بونیادنان و شیوه‌دانی دهرهینه‌ریکی نوئ هه‌نگاوی زۆر جدی هه‌لده‌گریت. به‌همه‌ن قوبادی له‌ سالی ۱۹۹۵ کورته‌ فیلم و به‌لگه‌ فیلمی خوئی درووس کرد، ئهم به‌لگه‌ فیلمه‌ له‌ ریژی به‌لگه‌ فیلمه‌ سه‌رکه‌ و تووه‌کانی ئیرانا بوو. هاوکات بووه شایانی خه‌لاتیکی زۆری ناو نه‌ته‌وه‌بیش. سالی ۱۹۹۹ فیلمه‌که‌ی به‌همه‌ن قوبادی به‌ ناوی کاتی هه‌سپه‌ سه‌رخۆشه‌کان وه‌ کوو فیلمیک به‌ زوانی کوردی و له‌سه‌ر خاکی کوردستان به‌ چیرۆک و قاره‌مانی خوچه‌یی، سنووری ئه‌تیککی و نه‌ته‌وه‌یی تیپه‌راند.

یه‌که‌م فیلم له‌ میژووی سینمای کوردی به‌ ناوی زاره‌یه .

ژانری ئهم فیلمه‌ ئه‌فسانه‌یی (ئپیک)ه‌ که‌ ژبانی کوردانی ئیزیدی له‌ ئهرمه‌نستان نیشان ده‌دات. زاره‌ سالی ۱۹۶۲ زاینی له‌ وه‌لاتی رووسیا درووست کراوه‌ و دهرهینه‌ره‌که‌شی ئهرمه‌نیه‌ و ناوی حامۆ به‌ک نازاریانه‌. به‌لام به‌ره‌مه‌کانی سینمایی بیلماز گونیه‌ی دهرهینه‌ری به‌ناوبانگی باکوری کوردستان وه‌کو، رامار ۱۹۷۸، دیوار ۱۹۸۳ و فیلمی ته‌حسین شاداش ۱۹۸۲ وایان نیشان‌دا

و هتد. بۇ ئەو کارانه خۆبه‌خشی، فهداکاری و  
رهنج پېویسته.

تیکۆشانیک درېژمه‌ودا هه‌یه بۇ چه‌مکی وه‌لات،  
که‌وا دهره‌ینه‌ره بئ ده‌وله‌ته‌کان لئی به  
خاوه‌ن دهر ئە‌که‌ون، له‌ سینما پېویسته ئە‌م  
بابه‌ته‌ دیارتر و به‌رچاوتر بئت. ئە‌و فیلمان‌ه‌ و  
به‌ زاره‌ ده‌ستی پئ کردوو و خۆی گه‌یاندوو  
به‌ کوردستانی قه‌ده‌خه‌ کراوی بیلماز گون‌ه‌ی،  
وه‌کوو رابوو‌ری و بی‌ری بونیادنانی سینمای  
ئیمه‌ن. به‌همه‌ن قوبادی دونیای کوردانی  
رۆژه‌لاتی له‌ سهر سنوور له‌ نیوان مردن و  
ژیان دا، تراژیدیا‌یه‌کی قوولی داناوه‌ته‌ به‌ر دیده‌ی  
بینه‌ران. کیلومه‌تری زه‌رو به‌ره‌می هونه‌ر سه‌لیم  
وامان لئ ده‌کات له‌ نیوان راستیه‌کی ناکۆک  
له‌ باشوو‌ری کوردستان جارێک پئ‌بکه‌نین و  
جارێکیشیان خه‌مبار بین. له‌ سینمای گه‌ریلا،  
به‌ ریگای فیلمی بی‌ریتان به‌ره‌می شه‌هید  
خه‌لیل داخ، ئیمه‌ شه‌ری نیوان هیلی خیانه‌ت و  
به‌رخۆدان له‌ دور و به‌ری کوردان دا ده‌بینین.  
ئیمه‌ له‌م فیلمه‌ دا ده‌بینه‌ شه‌هیدی کاره‌کته‌ری  
بی‌ریتان وه‌ک گه‌ریلای ژن به‌ بی‌ره‌وه‌ری و رق  
و کینئکی میژوو‌یی، که‌ وه‌لامده‌ری ئە‌م دۆخه‌  
مه‌ترسیداره‌یه‌.

هه‌ر وه‌ک چۆن شو‌رش به‌ره‌می تیکۆشان  
و شه‌ری کۆله‌کتیف و هاوبه‌شه‌. سینمای  
شو‌رشیش پېویسته‌ بیته‌ به‌ره‌می عه‌قل،  
هه‌ست و رهنجی هاوبه‌ش. له‌ نیوان ئە‌م

سینما ته‌نیا دونیای ئە‌و که‌سه‌ی و دروو‌سی  
ئه‌کات نیه‌. پویسته ئیمه‌ وه‌کوو ئە‌نجامی  
کاریگه‌ری ئە‌و فاکتوران‌ه‌ی و ئە‌م دونیایه‌ پیک  
دینن، ئە‌نجامی دور و به‌ر، نۆرمی کۆمه‌لایه‌تی،  
چاندی و نرخه‌ سیاسیه‌کان به‌ چاویکی کراوه  
بینین. له‌ کۆتاییش دا ئە‌گه‌ر ئیمه‌ی مرۆف  
وه‌کوو ئە‌نجامی هه‌موو کاریگه‌رییه‌کان و هه‌لبه‌ته  
وه‌کوو هه‌بوونیکی کۆمه‌لایه‌تی شیکاری بکه‌ین،  
بیگومان ئە‌م قۆناخه‌ کاریگه‌ری خۆی له‌ سهر  
که‌سایه‌تی، کاره‌کته‌ر و هزری مرۆف و کۆمه‌لگه  
کردوو. ئیتر پېویسته خۆ نه‌خه‌له‌تینین.  
کاتیکی له‌ مه‌یدان وشه‌ی کورد به‌ لئو  
ده‌کریت، ئیتر ئە‌مه‌ وه‌رگه‌راوه‌ته‌وه‌ و بووه‌ به  
شیوازیکی تیکۆشان و ئیتر به‌مه‌ ده‌گوتریت  
سه‌ربه‌خۆیی و بووه‌ته‌ خاوه‌ن ماناییکی سیاسی.  
وه‌کوو ئە‌و مرۆفانه‌ی و به‌ رهنگیکی له‌ رهنگه‌کان  
په‌یوه‌ندیان له‌ گه‌ل سینمه‌ داناوه‌، ئیمه  
ناتوانین ئە‌و شتانه‌ واییین، سه‌مه‌وله‌کانمان،  
کادرازی خۆمان له‌مه‌وه‌دوا بسوو‌رپنینه‌وه‌.  
تاوانباری ئە‌و ئیش و ئازارانه‌ و سیستماتیک  
کیشاومانه‌، ده‌دریت. ره‌گ و ریشه‌ی کولتوو‌ری  
و فره‌هنگی، که‌بفخۆشییه‌کانمان، سه‌رسوو‌رمان  
و هه‌موو هه‌سته‌کانمان به‌ریا ده‌که‌ن، هاوکات  
رئگای به‌رده‌م سینمای کوردی ده‌که‌نه‌وه‌.  
هه‌ر بۆیه‌ش ئە‌و سینمایه‌ی ئیمه‌ پئی ده‌لئین  
سینمای کوردی، سیاسیه‌.

ویژەوان، هونه‌رمه‌ند و دهره‌ینه‌ره‌کانی رۆژی  
ئهم‌رۆمان له‌ ژئیر به‌رپرسیاره‌تیه‌ک زۆر قورس  
دانه‌. به‌رپرسیاره‌تیه‌ک گه‌وره‌ وه‌کوو پارێزه‌ری  
وه‌لات و نه‌ته‌وه‌یه‌کی پارچه‌ بوو. دۆزبنه‌وه‌ی ریگا  
و ریبازی تیکۆشان، به‌ نرخه‌ که‌لتوو‌ریه‌کان  
خۆ له‌سه‌ر بییان گرتنس، تیکۆشان بۇ ژیان،  
بی‌ره‌وه‌ر بووین و بی‌رمه‌ند بووین له‌سه‌ر شانی  
وانه‌. له‌ ناو سینمای کوردی له‌ نیوان ئە‌م  
په‌یوه‌ندیه‌ گه‌وه‌رییه‌ دا هه‌ول‌دانی گه‌وره‌ و  
به‌هیز هه‌یه‌. له‌ قۆناخی فکر و فیلمه‌وه‌ هه‌تا  
قۆناخه‌کانی ئاماده‌کاری، فیدیۆکیشان و مۆنتاژ



بلهين له كوردستان دا زمان و چالاكى سينما شورشه؛ نهو كاته ئيمه پيوسته به كپارچه بوونى عقل و ههستى كوله كتيشف له هه موو شوينيك بياريزين و راي بگه ينين.

راستيه كه، بو نه وهى سينماى كوردى ببيتته خاوهنى زمان و تهرزيكى گوهه رى خوى، پيداويستى به تهرجربه و به رهه ميكي زورتر ههيه. هه تاكوو رووى كاميراكه مان له كولان، له چيا و ميلهت بيت، هه تاكوو تيكوشانى ژيانى نازاد له جهوه رى فيلمى كوردى دا خاوهن روليكى سه ره كه بيت، نهو كاته ده توانين بلهين سينماى كوردى له سه ر چوكى خويه و ديواره كانى به بنه مايه كى ريك داده مه زريت. هاوكات نه گهر ئيمه روحي سينما جهوان نه كه ين، نهو كاته به رده وام له مه ترسى كه وتنه بن سيه رى بازارى گلوبال و لق و پويه كانى دا ده بيت. پيوسته بزوتنه وهى نوپى سينماى كوردى له گهل روحي شورش، ديناميزمى كه نجانه بو بنيا تنانى ژيانىكى نازاد و هاوبه ش ههنگاو بنيت. نهو كاته هه ر بچيت و وهك تويه له به رفيك گه وره تر ده بيت و له گهل خويدا ده بيتته مه رتالى ژيانىكى كومينال و هاوارى فرههنگى ده وله مه ندى كورده وارى.

**پيوسته بزوتنه وهى نوپى  
سينماى كوردى له گهل  
روحي شورش، ديناميزمى  
كه نجانه بو بنيا تنانى ژيانىكى  
نازاد و هاوبه ش ههنگاو بنيت**

په يوه ندييه دا هه موو دوخى فيلميك نهنجامى هاتنه لاي يه كترى و زوربهى كه سانيك وا بهم شيوازه تينه لاي يه كتر به بي بهرزه وهنديه كى ماددى و چاوه روانيكي بهم رهنگه نه. له سه ر بنه ماي خويه خشى و فه داكارى نه م كاره ده كه ن. مادى گه رايى و نهو جوړه به رهه م هينانه، بو ماديات ده كريت. هاوكات له ژير كاريگه رى يه كانه په رسته تى و نهو روانيه يه كه وا سينماى پيشه سازى ده يسه پينيت. هه ر بويه تيروانينيكي فره، ره نجده ر، بهرزه وه ندى هاوبه ش، هاوكات دابه ش كردن له گهل خه لك به بي دوو دلى، ترس و مادى گه رايى نه ساسه. له م چوار چويه ده بابه تيك هه يه كه پيوسته سينماكارانى كورد له بيرى نه كه ن؛ سينما بو خه لك به دى ديت. نه گه ريش به سه د زورى و زهحه تى به دواى نهو هه موو قوناخه گرابه هايانه دا خه لك ناتوانييت به ناسانى خوى بگه ينيته سينماى كوردى نهوه بو هه موو لايه كمان كيشه يه كى زور بهر چاوه.

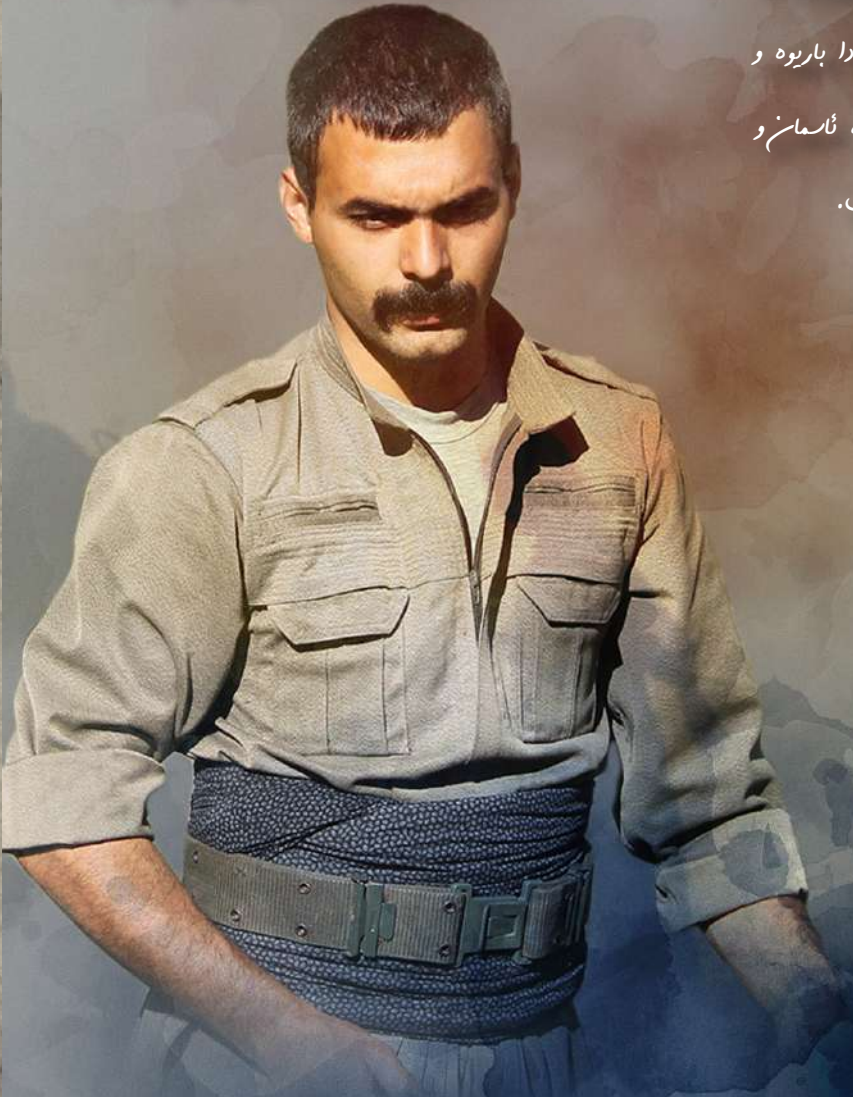
له روژئاواى كوردستان دوا به دواى شورش هه مووى نهو ئيمكانانه فه راهه م بوون كه نه مرؤ بوونه به ستيني خه تى سينه مايى. نه تهنيا له مه يدانى سينما له هه موو گوره پانى هونه ر و خزمه تى كومه لگادا زه مينىكى فراوان و زور به ييز به رپا كراوه. نه گهر ئيمه ده مانه هوى له روانگه ي سينما له م مزاره پروانين، لهو شوينانه ي وا فيلم ده كيشريت، بگره هه تا پيداويستى سه حنه، له ئاكتوريه وه بگره هه تا ده ره ينه رى، هه ر هه موويان له نيوان ئيمكانى شورش بو خوى دايه. نه مه ش بابه تيكى زور گرينگه بو نه وهى سينماى كوردستان له سه ر بنه مايه كى راست و دروست گه شه بكات. له م بواره ش دا نه وهى فيلميك سه ر كه وتوو به رهه م ده هينيت نهك تهنيا مزارى فيلمه كه يه به لكوو شيوازي درووست كردنه كه ي و حهلقه ي زنجيرى نيوان شورش و سينماى كورديه. ليره دا نه گهر ئيمه

# بۇ يادى شەھىد تۆلەھاندان

ئۇ دە رۇھى تۆپە بۆتە باراسىز و بۇنىز گۈلە شۇئە و  
ھەللا بىرە، ئۇچىتە ناخسا و لەگەن دۆلەپ دۆلەپ  
خۇنىتم پىمانىز نور ئۇكاتە و تەزۋىنىك بە لەمدا  
رەت و ئۇلەت تۆمىر و مىز تۆم، ھەر ئۇلەت لىو  
ساتە دە كە لە لام رۇئىستىر ئۇ دە تۆپىز چەكەكت لە سە  
زەور ھەلگەتە و تۆلەمىتەر لە ھەر سات و كاتىك  
بەرە كاروانىز تۆلەھاندان، بەرە لوتكىز سەكەوتىز  
ۋە گۈلە و چەكەت تىرتەر لە جاراخ دورمىز بەزىتەرە.

لەگەن سىر كۈرۈش ھەر دۆلەت كە باراسىز تۆم رىتە  
بىر كە لەگەن تاك بە تاك ۋە كەنت بە سە دان  
ۋە مېشىك و رۇھىدا دا دەباراس و فېنكايىت بە  
رۇج و جەتەم دەبەخشىز، ھەر كاتىك بە ناو دۆلەپ  
باراسىز دا بىت كۆتايىم كىر ئۇ گا بەھور، بەلام  
كاتىك كە سىر چاۋە كەنت دەكەم لە پىستىر ئۇدا  
ئاسمانىز شىز و خۇرر رۇمانىز ئېنىم كە رۇزنىك لە  
رۇزىز كۆرۈ تىت بە زەور و دەراكانىز دا بارىۋە و  
جا ئۇ سا دۆلەپ دۆلەپ دەراكانىت بەرە ئاسمانىز  
بە سە ھەۋو ۋەلەت دا باراندەت.

سەنگەر پۇلا



# گاه شماری جامعه جوانان شرق کوردستان



اتحادیه جوانان شرق YCR به عنوان شاخه جوانان آپویی شروع به فعالیت نمود. YCR با هدف ارتقای بینش جوانان و بر اساس سازماندهی مستقل در بین توده های جوانان کورد رشد و گسترش یافت

دومین کنگره خود را در ۱۳۹۴ برگزار نمود. کنگره به مثابه سفیر عقلانیت، مبارزه و فعالیت ایدئولوژیک و آموزشی را جهت رهایی جوانان از مگاک تاریک و انحرافی سیستم حاکم دولت، در رأس برنامه های سازمان جوانان شرق کوردستان قرارداد. تصمیم تاسیس آکادمی شهید هیمن بیکس در این سال گرفته شد

۱۳۹۴

۱۳۸۵

۱۳۸۳

در روز ۲۴ الی ۳۱ مردادماه کنفرانس (اتحادیه جوانان شرق) YCR اصلی ترین دینامیسم پژاک برگزار شد. بیش از صد تن از شرکت کنندگان از شهرهای سراسر شرق کوردستان و کوردهای مقیم اروپا آمده بودند. در این کنفرانس اسم خود را به جمعیت جوانان شرق کوردستان KCR تغییر نام داد.







در این سال کنگره سوم جامعه جوانان شرق کوردستان با شرکت جوانانی از سراسر ایران و شرق کوردستان، تصمیماتی در چارچوب مبارزه علیه جنگ ویژه دشمن، پیشاهنگی و گسترش مبارزه و سازماندهی جوانان به انجام رسید

با پیشاهنگی زنان و جوانان و رنج و زحمت رفقای هم‌چون شهید تولهدان، برهه‌ای نو در تاریخ انقلاب شرق کوردستان و ایران با شعار زن زندگی آزادی آغاز گردید. و نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش پارادایم رهبر آپو را به عهده گرفت

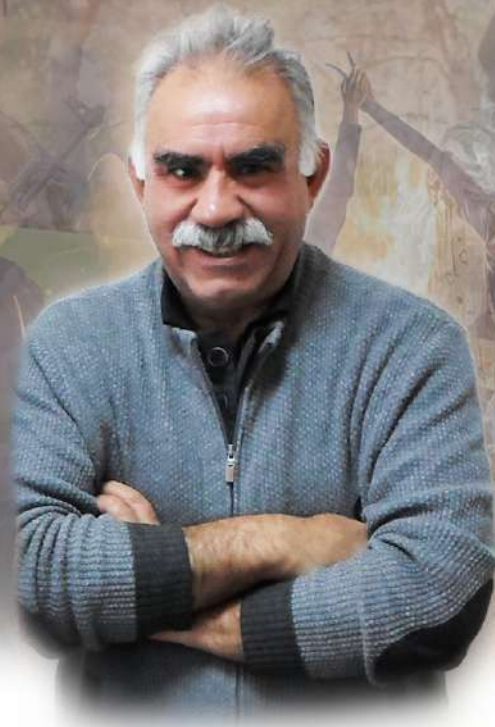
۱۴۰۱

۱۴۰۰

۱۳۹۷

خود سازماندهی و دفاع مشروع جوانان شرق کوردستان و ایران منجر به شعله‌ور شدن آتش نفرت و کینه در برابر رژیم اشغالگر ایران شد که در این برهه با زنجیره قیام‌ها و اعتراضاتی به مانند اعتراضات آبان زمینه تغییرات بسیاری را فراهم آوردند





## نقش خلق به ویژه جوانان در تحقق ملت دموکراتیک

گفتگو با رفیق مظلوم هفتن

(اندام مجلس پزاک)

شکنجه‌گاهی مخوف در جزیره‌ی مرمه نیست، بلکه سیستمی است فرساینده و نابودکننده که تحت نظارت و مدیریت ناتو و سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی است، ترکیه نیز بخشی از این سیستم بوده که نقش نگهبان زندان و اجرای هماهنگ‌شده بعضی اقدامات را برعهده دارد. در واقع سیاست‌های اجرایی در امرالی تنها مربوط به ترکیه نبوده و نخواهد بود. سیستم امرالی و انزوای رهبر آپو، که ادامه توطئه بین‌المللی است، در حقیقت همان سیستم نسل‌کشی کردها می‌باشد.

مسئله سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی با رهبر آپو، مسئله تفاوت نگاه و یا تفاوت در عملکرد درون سیستمی نیست، بلکه فراتر از آن مسئله تمایز، تضاد و تقابل دو سیستم است:

**ژیله‌مو:** ممنون از اینکه در این مصاحبه ما شرکت کردید، رفیق مظلوم می‌خواهیم با این پرسش گفتگوی خود را آغاز کنیم. ارتباط سیستم شکنجه-انزوای مطلق امرالی بر رهبر آپو با پارادیگمای مدرنیته‌ی دموکراتیک که در این عصر پرتنش و بحرانی به رهیافت و امید چاره‌یابی مسائل جهان و به‌خصوص خاورمیانه تبدیل شده است، در چیست؟

**رفیق مظلوم:** سپاسگذارم، بله همانطور که می‌دانیم امرالی تنها یک زندان و

یعنی سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی در مقابل سیستم مدرنیته دموکراتیک. رهبرآپو سیستم مدرنیته دموکراتیک را به‌عنوان جایگزین سیستم مدرنیته سرمایه‌داری ارائه نموده است. ازاین‌رو دشمنی سیستم سرمایه‌داری جهانی با رهبرآپو، فکر، فلسفه و پارادایم ایشان، موضوعی بنیادین، ریشه‌ای، تاریخی، هویتی و موجودیتی است. این سیستم سال‌هاست به انحاء مختلف تلاش می‌کند مانع از ایفای

رهبر آپو با تحلیل و ریشه‌یابی تاریخی مسائل، نقد همه‌جانبه، انتقاد و خودانتقادی عمیق به این نتیجه رسیده است که سرمنشأ تمامی مسائل و معضلات انسانی، اجتماعی و محیط‌زیست که امروزه به حالت انفجار رسیده‌اند، اقتدار-قدرت، دولت، سرمایه‌داری و به‌طور کلی، سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی است. ایشان با دلایل متعدد مستدل آشکار نموده است که نه تنها این

## برای چاره‌یابی ریشه‌ای مسائل و معضلات باید قبل از هرچیز و به‌درستی سیستم مدرنیته سرمایه‌داری و سیر تاریخی آن را شناخت و از شرش خلاص شد.

نقش رهبرآپو و اقداماتش گردد، تا اینکه نهایتاً در سال 1377 با اجرای توطئه‌های بین‌المللی اقدام به حذف فیزیکی رهبر آپو نمود، اما به دلایل مختلف موفق به انجام آن نشد، ازاین‌رو پروسه حذف تدریجی و گام به گام را که همان سیستم امرالی و انزوای مطلق است را در دستور کار قرارداد.

سیستم کعبه آمال نیست، بلکه سرمنشأ تمامی مصائب و مشکلات است؛ لذا برای چاره‌یابی ریشه‌ای مسائل و معضلات باید قبل از هرچیز و به‌درستی سیستم مدرنیته سرمایه‌داری و سیر تاریخی آن را شناخت و از شرش خلاص شد. متأسفانه در طول تاریخ خیلی از شخصیت‌ها و سازمان‌هایی که با



در منطقه و فرامنطقه، تأثیرات کیفیتی عمیقی بر انسان‌ها و جوامع تحت ستم و جویندگان حقیقت ایجاد نموده است، به گونه‌ای که به این باور و یقین رسیده‌اند که با تکیه بر نیروی ذاتی و اراده استوار خویش، می‌توان مصدر تحولات شگرف شد و غیرممکن را ممکن گردانید. از این جهت علی‌رغم فشارهای روزافزون سیستم سرمایه‌داری جهانی بر رهبر آپو و جنبش آپویی، روزبه‌روز بر شمار دوستداران فکر و فلسفه آپویی افزوده می‌شود.

مردم منطقه و جهان که تخریبات و بحران‌های ناشی از سیستم مدرنیته سرمایه‌داری را با گوشت و پوست خود حس می‌کنند، با مطالعه و شناخت فکر و فلسفه رهبر آپو و دیدن دستاوردهای حاصله از آن، نحوه چاره‌یابی درست را دریافته و به آن می‌پیوندند.

سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهت پیشبرد اهداف خویش، انسان‌ها و جوامع را بی‌اراده نموده و به تسلیمیت می‌کشاند و برای این منظور از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند که متأسفانه در مواردی نیز به نتیجه رسیده است، خصوصاً در کوردستان و خاورمیانه.

جان و دل برضد سیستم سرمایه‌داری جهانی مبارزه کرده‌اند، به‌علت عدم درک همه‌جانبه این سیستم، در دام آن گرفتار شده و در نهایت به بخشی از سیستمی تبدیل شده‌اند که با تمام توان برضد آن مبارزه کرده‌اند؛ لذا رهبر آپو به این نتیجه رسیده است که برای چاره‌یابی مسائل و مشکلات، ارائه هرگونه راهکار و فرمول چاره‌یابی‌ای که به هرنحوی از انحاء با سیستم مدرنیته سرمایه‌داری ارتباط داشته باشد، نه تنها چاره‌ساز نبوده، بلکه خود مشکل آفرین خواهد بود و در حقیقت، آب به آسیاب همان سیستم می‌ریزد و علی‌رغم هرگونه اقدام خالصانه‌ای، در نهایت به بخشی از همان سیستم تبدیل خواهد شد. بنابراین با نقد درست و انتقاد و خودانتقادی صادقانه نسبت به موضعگیری و عملکرد گذشته، راهکار حل مشکلات را ایجاد سیستم آلترناتیو، یعنی مدرنیته دموکراتیک می‌داند و برای این منظور، بنیان‌های فلسفی-تئوریک و چگونگی شکل‌گیری عملی و نهادینه شدن آنرا ارائه نموده است. فلذا شناخت درست و درک عمیق فکر، فلسفه و راهکارهای چاره‌یابی رهبر آپو جهت گرفتارنشدن در دام سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی و بنیان نهادن زندگی آزاد و دموکراتیک، ارزشمند، ضروری و حیاتی است.

امروزه جنبش آپویی، خلق کورد، دوستان و باورمندان به فکر و فلسفه آپویی، به کمک همدیگر با تکیه بر این اندوخته‌ها توانسته‌اند در شرایط بسیار دشوار و نابرابر در مقابل حملات وحشیانه‌ی دولت‌های غاصب و مزدوران منطقه‌ای و فشارهای همه‌جانبه قدرت‌ها و ابرقدرت‌های جهانی، مقاومت نموده و از ارزش‌های اصیل انسانی و اجتماعی، صیانت نمایند. وقوع این واقعیات عینی، ایجاد دستاورد و نهادینگی و ماندگاری آن‌ها،



داشتن به يك ملت، نه يك امتیاز است و نه يك نقص. می توان متعلق به بیش از يك ملت بود. به عبارت صحیح تر، ملیتها یا ناسیونالیته‌های متفاوتی که به صورت مختلط درآمد‌اند می‌توانند وجود داشته باشند.» (مانیفست تمدن دموکراتیک دوره پنج جلدی صفحه 969)

در سیستم مدرنیته دموکراتیک جایی برای دولت-ملت و نگرش و اقدامات تک‌گرایانه و بحران‌سازش وجود ندارد. در این سیستم، آلترناتیو دولت-ملت، ملت دموکراتیک است. ملت دموکراتیک، ملت‌ها و ملت‌الملل است، یعنی ملتی ست از مجموع ملل مختلف. ملت دموکراتیک همزیستی معنادار، تنوعات مختلف است بر مبنای اراده آزاد، احترام متقابل و ذهنیت مشترک. در ملت دموکراتیک موضوع خویشی و بیگانگی (خود و دیگری) بر مبنای هم‌خونی، هم‌زبانی، هم‌قومیتی، هم‌سرزمینی و هم‌های دیگری که سیستم مدرنیته سرمایه‌داری به‌عنوان معیار در ذهن ما فرو کرده است، نیست. در اینجا بقول مولانا «همدلی از هم‌زبانی برتر است.» ملت دموکراتیک بر مبنای اندیشه مشترک، فلسفه زیستن و جهان‌بینی مشترک است. در این‌صورت کورد، ترک، بلوچ، عرب و فارس علی‌رغم قومیت، زبان، دین، مذهب و باورداشته‌های گوناگون، بیگانه نبوده، بلکه خویش‌اند و در ملت دموکراتیک جای می‌گیرند. برعکس آن هم صدق می‌کند، یعنی دو کورد هرچند که زبان، قومیت، جغرافیا و خیلی مشترکات دیگر هم دارند، اگر ذهنیت مشترک نداشته باشند و فلسفه زیستن‌شان جدا باشد، باهم بیگانه‌اند و در ملت دموکراتیک جای نمی‌گیرند.

رهبر آپو با تحلیل درست این مسائل و ارائه راهکارهای مناسب، نه تنها این انسان‌ها و جوامع را هوشیار و متحول نموده، بلکه آنها را به پیشاهنگان آزادی و دموکراسی مبدل نموده است. این یعنی پنبه کردن تمام رشته‌های سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی. با ایجاد این تحولات بنیادین منطقه‌ای و جهانی یعنی آفرینش انسانی نو، زندگی‌ای نو و جهانی نو که ناشی از اندیشه و راهکار آپویی است، سیستم مدرنیته سرمایه‌داری جهانی روزبه‌روز بیشتر در تنگنا قرار گرفته و احساس خطر می‌کند؛ از این‌رو با ایجاد سیستم امرالی، تداوم آن و ایجاد شرایط انزوای مطلق، از رهبر آپو انتقام می‌گیرد.

## ژبله‌مو: در برساخت ملت دموکراتیک، مسئولیتی که بر دوش اقشار جامعه (از ۷ سال تا ۷۰سال) قرار می‌گیرد چیست؟

**رفیق مظلوم:** سیستم مدرنیته سرمایه‌داری بر اساس دولت-ملت و با ایجاد شکاف و برجسته کردن بیش از حد تفاوت‌ها و تمایزها و برخورد تبعیض‌آمیز با آنها، انسان‌ها و جوامع را به جان هم انداخته و زندگی آن‌ها را تباه کرده است. تفاوت، تنوع و تکثر در جوامع انسانی خصلت‌هایی طبیعی هستند که نشانه و بیانگر غناست، اما دولت-ملت با نگرش و برخورد تک‌گرایانه، سعی می‌کند آنها را به سمت یکدست کردن و همگون سازی سوق داده و به نابودی بکشد.

رهبر آپو می‌گوید: «نگرش هویتی ملی يك نگرش هویتی باز است؛ همانند عضویت و مؤمنی يك دین فروبسته نیست. تعلق

و مسئولانه عمل می‌کنند. برآیند این موارد ایجاد امنیت و آسایش فردی و اجتماعی است که ستون نگهدارنده جامعه است.

بر مبنای سیاسی بودن جامعه، مدیریت دموکراتیک و خودمدیریتی دموکراتیک معنا نمود می‌یابد. یعنی مردم خودشان امورات زندگی خود را به انجام می‌رسانند. در واقع مردم جهت امورات زندگی‌شان در فکر و اندیشه، در تصمیم‌گیری و اجرا، شریک و مسئول هستند. مجری تصمیمات دیگران نبوده و خودشان سرنوشت‌شان را مشخص نموده و تعیین می‌کنند.

سلول بنیادین ملت دموکراتیک انسان آزاد و کمون دموکراتیک است. یعنی فرد با اجتماع و اجتماع با فرد معنا می‌یابد. فرد و جامعه باهم ارتباطی ناگسستنی دارند، به نوعی که فرد بدون جامعه و جامعه بدون فرد وجود نخواهد داشت. معیار زیستن، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است که هر فردی خودش را براساس این معیارها آماده نموده و از نو می‌سازد. مشارکت در ملت دموکراتیک با شناخت و درک مبانی، موازین و اصول صورت می‌گیرد. در جامعه دموکراتیک هر فرد جامعه عضو یک کمون است، به شکل فعال در یک یا چند کمیته‌ی کمون جای می‌گیرد و بر اساس قابلیت، شایستگی و توانایی در راستای رفع نیازهای جامعه و ارتقای کیفیت زندگی انجام وظیفه می‌کند. هر کس به نوعی به شکل فعال و ارگانیک در چرخه زندگی جای می‌گیرد.

در بساخت ملت دموکراتیک یکی از اصلی‌ترین مسائل، شناخت وظایف و عمل کردن به آنها به نحو احسن است. وظایف اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و... که برای شناخت

نمونه عینی و پروتوتیپ (پیش‌نمونه) ملت دموکراتیک، جنبش آپویی است. در جنبش آپویی بر اساس فکر و فلسفه رهبر آپو انسان‌های متعددی از جوامع مختلف و از چهارگوشه دنیا در کنار هم و با رفاقتی کم‌نظیر زندگی می‌کنند.

رهبر آپو می‌گوید: «مدل ملت دموکراتیک به‌عنوان یک مدل چاره‌ساز، مناسبات اجتماعی‌ای که ملت دولتی آنرا کاملاً از هم گسیخته، مجدداً دموکراتیزه نموده و هویت‌های متفاوت را سازش‌جو، صلح طلب، روادار و خوشبین می‌گرداند. تحول‌یابی ملت دولتی به سوی ملت دموکراتیک، دستاوردهای عظیمی را با خود به همراه خواهد آورد. مدل ملت دموکراتیک قبل از هر چیز، ادراک‌های اجتماعی خشونت‌بار را با یک آگاهی اجتماعی صحیح تلطیف نموده و انسانی می‌گرداند (یعنی به انسان خردمند، باعاطفه و دارای امپاتی یا احساس همدلی مبدل می‌کند.» (مانیفست تمدن دموکراتیک دوره پنج جلدی صفحه 969)

در ملت دموکراتیک زندگی بر مبنای چرا زیستن و چگونه زیستن است، یعنی زندگی کردن با معیار و هدفمند است. مشارکت انسان‌ها با شناخت، اراده آزاد، وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری است. در اینجا هدف ایجاد جامعه‌ای اخلاقی، سیاسی، دموکراتیک و اکولوژیک است که بر مبنای اخلاقی بودن، آزادی اراده، نظارت و اتوکنترل معنا می‌یابد. سیرت و صورت یگانه‌اند و دورویی و نفاق وجود ندارد. انسان‌ها بر اساس معیارها و ارزش‌های انسانی و اجتماعی مشترک به صورت اراده‌مند



**ژیله مو:** رهبر آپو، زنان و جوانان را  
عهد‌دار نقش پیشاهنگی در برساخت  
ملت دموکراتیک معرفی می‌کند؛ در  
حوزه‌های فکری و عملی مسئولیت جوانان  
در این پیشاهنگی چیست؟

**رفیق مظلوم:** نحوه زندگی انسان‌ها و  
جوامع براساس چگونگی شکل‌گیری فکر و  
اندیشه آنهاست، یعنی نوع نگاه، موضع‌گیری  
و برخورد با تمامی مسائل زندگی با سیستم  
فکری و جهان‌بینی انسان‌ها در ارتباط است.  
از این رو برای تغییر و تحول در زندگی، تغییر  
و تحول در ذهنیت و شکل‌گیری اندیشه لازم  
و ضروریست.

سیستم مدرنیته سرمایه‌داری علی‌رغم اینکه  
مدعی است دوران ایدئولوژی‌ها به سررسیده،  
اما با بمباران مداوم و مستمر ایدئولوژیک،  
سعی بر تسخیر اذهان افراد جامعه دارد و با  
ارائه فرم زندگی‌ای بر این اساس، جامعه را به  
بند کشانده و در راستای رسیدن به اهدافش  
جهت‌دهی می‌کند. برای این منظور به‌طور

درست و درک عمیق مسائل و چگونگی بجا  
آوردن آنها، آموزش و به‌طبع آن سازماندهی  
لازم و ضروری است. ملت دموکراتیک دارای  
ابعاد متعددی است از جمله؛ اقتصاد، سیاست،  
مدیریت، امنیت، خوددفاعی و ... که با آنها  
شکل گرفته و استحکام می‌یابد. بدون تردید  
شناخت درست این ابعاد و شکل‌دهی و تکوین  
آنها، نیازمند بینش و عملکرد صحیح است که  
آنها را با آموزش و سازمان‌دهی مناسب ممکن  
می‌گردد. یعنی عملکرد آگاهانه و سازماندهی  
شده. از این رو هرکس لازم است به‌صورت  
مستمر و منظم در امر آموزش و سازمان‌دهی  
شرکت کرده و مفاهیم زندگی‌اش را بر این  
اساس تعریف نماید، چرا که با آموزش و  
سازمان‌دهی، نحوه و چگونگی مشارکت افراد  
در زندگی مشخص می‌گردد. در برساخت ملت  
دموکراتیک و ایجاد جامعه اخلاقی و سیاسی  
هیچ کس منفعل نبوده و نخواهد بود، بلکه  
هرکس مسئول و دارای وظیفه است، اما در  
این بین زنان و جوانان نقش مضاعفی بردوش  
دارند که آنها را پیشاهنگی است.

ضروری است. از این رو شناخت صحیح و درک عمیق فکر و فلسفه رهبر آپو جهت کسب شخصیت نو و نحوه‌ی زندگی نوین بر مبنای فلسفه جایگزین، لازم و ضروری است. برای این منظور باید در پندار، گفتار و کردار، انقلاب صورت پذیرد. انقلاب یعنی دگرگونی ریشه‌ای که با مرمت، بازسازی، اصلاح و مفاهیمی از این دست تفاوت ماهوی دارد. فلذا جوانان لازم است هرگونه ارتباط و وابستگی‌ای که با سیستم مدرنیته سرمایه‌داری دارند (هرگونه وابستگی فکری، ذکری و عملی) را بدون هیچ ملاحظه و چشم پوشی‌ای قطع کنند. گام نهادن در این راه و رسیدن به مقصود، تنها با خواستن و طلب کردن میسر نخواهد شد، شرایط خاصی لازم است. نیازمند تصمیم

مستمر تحقیقات گسترده و عمیقی را انجام داده و با تثبیت نقاط ضعف و قوت افراد جامعه، دام‌هایش را پهن کرده و از تمام راه‌ها و با امکانات بیش از حدی که در اختیار دارد، استفاده می‌کند. هرچند این سیستم تک تک افراد جامعه را مورد هدف قرار داده و هیچ کس را از قلم نخواهد انداخت، اما برای زنان و جوانان به‌طور ویژه برنامه‌ریزی نموده و آنها را مورد هجوم قرار می‌دهد؛ زیرا می‌داند زنان و جوانان موتور محرکه جامعه بوده که با تحت کنترل درآوردن آنها، جامعه را به کنترل در خواهد آورد.

در سیستم مدرنیته دموکراتیک و ملت دموکراتیک زنان و جوانان جایگاه ویژه‌ای داشته و پیشاهنگان این سیستم هستند که برای

## انقلاب یعنی دگرگونی ریشه‌ای که با مرمت، بازسازی، اصلاح و مفاهیمی از این دست تفاوت ماهوی دارد

قاطع، عزم و اراده راسخ و تلاش مستمر و جانکاه است.

بدون تردید در دنیای امروزین که مدرنیته سرمایه‌داری تا اعماق سلول‌ها و بافت‌های انسانی و اجتماعی نفوذ کرده است و هیچ عرصه‌ای از زندگی نیست که به آنجا یورش نبرده باشد، انقلاب شخصیتی و آفرینش زندگی نوین آسان نخواهد بود؛ اما غیرممکن نبوده و شدنی است. بنابراین با علم و آگاهی به واقعیات و دشواری‌های موجود و با ایمان به تحول و حقیقت دست یافتنی، باید رهرو این راه شد.

برای درک بهتر مسئله و دریافت رهنمودهای لازمه در این باره، به قسمتی از تحلیلات

ایفای نقش پیشاهنگی و بجا آوردن وظایف، قبل از هر چیز نوسازی شخصیت و تحول نحوه‌ی زندگی بر مبنای آن لازم و ضروریست که این نیز از طریق انقلاب ذهنیت و وجدان، انقلاب شخصیت و نحوه‌ی زندگی میسر خواهد شد.

لازم است بدانیم و باور کنیم که سیستم مدرنیته سرمایه‌داری بر اساس فتح اذهان و حاکمیت ایدئولوژیک، شخصیت و شیوه‌ی زندگی دلخواه خویش را ایجاد نموده است که با این ذهنیت، شخصیت و نحوه‌ی زندگی، نه می‌توان در سیستم مدرنیته دموکراتیک و ملت دموکراتیک شرکت کرد، و نه می‌توان ادعای ایفای نقش پیشاهنگی در آن را داشت؛ فلذا شناخت درست شخصیت خویش، سیستم مدرنیته سرمایه‌داری و سیستم آلترناتیو آن





رهبر آپو اشاره می‌کنم:

رهبر آپو در دفاعیات پنج جلدی، در صفحه 917 در رابطه با وجود بعضی مسائل و راه‌حل‌های ممکن و چگونگی تغییر و تحول، سرفصلی با این عنوان آورده‌اند: «چگونه باید زیست، چه باید کرد و از کجا باید آغاز نمود؟».

«.....اولین پاسخ مشترکی که به پرسش‌های چگونه باید زیست، چه باید کرد و از کجا باید آغاز نمود، داده شود، می‌بایست از بطن نظام (سیستم مدرنیته سرمایه‌داری) و بر مبنای مخالفت با آن آغاز شود. اما از درون نظام به مخالفت با نظام پرداختن، مستلزم پیکارجویی در راه حقیقت است، آنهم در سطح فرزندان کهن و به بهای آمادگی هر لحظه‌ای جهت مرگ. برای پاسخ پرسش چگونه باید زیست به صورت درهم تنیده با پاسخ پرسش از کجا

می‌باید آغاز نمود، بایستی زندگی‌ای که مدرنیته بسان یک زره بر تن پوشانده را همانند درآوردن جامه‌ی جنون و دوراندختن آن، ترک کنی، از این زندگی متفر گردی و از آن دست بشویی. در صورت لزوم باید هر لحظه چنان که گویی استفراغ میکنی، دل و ذهن و جسم خویش را از این زندگی پاک کنی. حتی اگر زندگی مدرنیستی خود را همچون زیبارخ بی‌همتای جهان به تو عرضه نمود، باید آنچه در درون داری را استفراغ کنی و به وی پاسخ دهی. پرسش چه باید کرد را به گونه‌ای درهم تنیده با دو پرسش دیگر، با تقابلی به شکل عمل و کنشگری مستمر در برابر نظام، پاسخ خواهی داد. پاسخ به پرسش چه باید کرد، پراکتیک آگاهانه و سازماندهی شده است.»

سرمایه‌داری با سیاست‌های ویژه، قابلیت‌ها و توانایی‌های جوانان را جهت‌دهی نموده و به خدمت اهدافش درمی‌آورد، اما سیستم مدرنیته دموکراتیک با شکوفا کردن قابلیت‌ها و فراهم کردن بستر لازم برای اجرای توانایی آنها، جوانان را در مصدر امور قرار می‌دهد.

سیستم مدرنیته سرمایه‌داری با ایدئولوژی افسونگرش، یعنی لیبرالیسم و با ارائه سبک زندگی‌ای بر مبنای لذت بردن، نه بر مبنای احتیاج و ضرورت، جوانان را مورد تهاجم نرم و سخت قرار داده و آنها را مسموم و بی‌حس می‌گرداند. این سیستم هیچ منفذی را در زندگی بدون تأثیر مخرب رها نکرده و تمام مراکز و عرصه‌های مادی و معنوی جامعه را جهت حصول نتیجه دلخواه و در راستای رسیدن به اهدافش سمپاشی کرده و بکار می‌برد. باید دانست و باور کرد که در این سیستم هیچ دانه‌ای بی‌دام نبوده و نخواهد بود. از این‌رو سادگی و خودفریبی است اگر کسی ادعا کند که از تأثیرات سیستم مدرنیته سرمایه‌داری مصون مانده باشد.

**خطرناک‌ترین بعد مسئله، تأثیر مخرب سیستم مدرنیته سرمایه‌داری بر ذهنیت و شکل‌گیری سیستم فکری جوانان است. این تأثیر از راه‌ها و کانون‌های مختلف صورت می‌گیرد.** از طریق محیط خانواده و تربیت خانوادگی، مدرسه و سیستم آموزش و پرورش، از طریق رسانه، کانون‌های هنری، فرهنگی، ورزشی و... این تأثیرات به‌صورت هدفمند، سازماندهی و مستمر انجام می‌گیرند. قوی‌ترین عرصه تأثیرگذاری، عرصه رسانه است که امروزه با تحول در سیستم‌های ارتباطی و اینترنت، دنیا و دنیاهای دیگری ایجاد کرده‌اند که به‌طور ریشه‌ای

**ژبانه مو: در عصری که سرمایه‌داری در کانون تمامی بحران‌ها می‌باشد، جوانان از اهداف استراتژیک آن هستند و وضعیتی بسیار بحرانی را می‌زیند؛ در برساخت ملت دموکراتیک، برای جوانان گذار از بحران و رسیدن به وضعیت نیروی پویایی که سیستم مدرنیته‌ی سرمایه‌داری را در هم بشکند و به پیشاهنگ برساخت جامعه‌ای آزاد مبدل شوند، چگونه عملی خواهد شد؟**

**رفیق مظلوم:** ایجاد بحران و مدیریت کردن بحران جهت رسیدن به اهداف دلخواه، ماهیت سیستم مدرنیته سرمایه‌داری است. این سیستم جهت رسیدن به اهدافش جامعه را مهندسی نموده و به‌صورت ویژه سیاست‌هایی بر زنان و جوانان اعمال می‌کند. از این طریق سعی می‌کند با اعمال حاکمیت بر آنها کل جامعه را تحت کنترل درآورد.

سیستم مدرنیته سرمایه‌داری با تمامی امکاناتی که در اختیار دارد و از تمام مراکز و عرصه‌های آموزشی، علمی، دینی، عقیدتی، فرهنگی، ورزشی، هنری، کاری و... جوانان را مورد هدف قرار داده و سعی بر ذوب همه جانبه آنها و به تسلیمیت کشاندن‌شان را دارد. بدون شک برای رسیدن به این هدف از هیچ اقدامی ابا نداشته و حد و مرزی نمی‌شناسد. جوانان در هر سیستمی نیروی تأثیرگذار و درموردی خاص نیز نیروی تعیین‌کننده رویدادها و مسائل زندگی هستند. از این‌رو هر سیستمی به‌صورت ویژه برای جوانان سیاست‌گذاری می‌کند. سیستم مدرنیته

شناخت صحیح سیستم آلترناتیو لازم است. یعنی لازم است که حقیقت رهبر آپو، فکر و اندیشه و راهکار چاره یابی شان را درک کنند و به طور فعال در سیستم مدرنیته دموکراتیک جای بگیرند. لازم است معیارهای رد و قبولشان را بر مبنای فلسفه جدید مشخص کنند، برای این منظور لازم است دنیای معرفتی و دایرةالمعارفشان را بر مبنای تعریف و بازتعریفهای رهبر آپو انجام دهند. در پندار، گفتار و کردار، انقلابی ریشه‌ای انجام دهند و براین اساس، به مشارکت و عملکرد آگاهانه و سازماندهی شده برسند. یعنی با آموزش لازم به آگاهی صحیح دست یافتن و بر مبنای سازماندهی اقدام کردن. از این طریق می‌توان از سیطره ایدئولوژیک و شیوه‌ی زندگی مدرنیته سرمایه‌داری رستگار شد.

بدون تردید به اشکال مختلف می‌توان به صورت فعال در سیستم مدرنیته دموکراتیک و جامعه‌ی اخلاقی و سیاسی جای گرفت و ایفای نقش کرد، اما بهترین شیوه مشارکت ملحق شدن به سازمان و صفوف گریلا است. به نظرم بهترین جواب در برابر سیاست‌های جنگ ویژه سیستم مدرنیته سرمایه‌داری ایفای نقش ملیتان آپویی و گریلای مدرنیته دموکراتیک است که با مشارکت مستقیم و ملحق شدن به صفوف گریلا میسر می‌گردد.

## ژبله مؤ: ممنون از اینکه در این

مصاحبه با ما همراه بودید.

رفیق مظلوم: ممنون سپاسگذارم.

معنا و فلسفه زندگی جوانان را تحت تأثیر قرار داده و در واقع شکل می‌دهند. جالب اینجاست که این دنیاها را دنیای مجازی می‌نامند، اما این دنیای مجازی است که فلسفه زندگی و رژیم حقیقت شان را پایه‌ریزی کرده و شکل می‌دهد. و این یعنی انکار حقیقت و کشتن زندگی.

مشغله جوانان با دنیای مجازی و میزان سیرشان در این دنیا، موضوعی است جدی و خطری است که بنیاد زندگی جامعه را تهدید می‌کند. سیستم مدرنیته سرمایه‌داری در این زمینه با تکیه بر مراکز غول‌پیکر تحقیقی-تفحصی استراتژیک و اندیشکده‌های بی‌شمار تولید ایده در راستای به بردگی کشاندن جامعه و ایجاد بردگی نوین، در تقلا و تکاپویی مستمر است. پیشتر سیستم مدرنیته سرمایه‌داری با ترویج و اشاعه مواد مخدر، خصوصاً مخدرهای صنعتی و روان‌گردان‌ها، مشروبات الکلی، سکس و فحشا و از راه‌های مشابه دیگری، تلاش می‌کرد جوانان را مبتلا نموده و با ایجاد سیکل‌های معیوب احساس نیاز و عرضه، تشدید نیاز و عرضه بیشتر و قص علی هذا، جوانان را به دام انداخته، جهت‌دهی نموده و به کنترل درآورد. هرچند امروزه بازم از این موارد استفاده می‌کنند، اما با ایجاد و گسترش اینترنت و دنیای مجازی و ایجاد مشغولیت جوانان در دنیای مجازی، وخامت اوضاع و گستره و عمق تخریبات قابل مقایسه با گذشته نیست.

پس در وهله اول و مقدم بر هر چیزی، لازم است که جوانان ماهیت سیستم مدرنیته سرمایه‌داری را بشناسند، این تهدید و خطر را درک نمایند و جهت رستگار شدن از آن، اقدام فوری و قاطع انجام دهند. بریدن از هرگونه ارتباط و وابستگی با این سیستم لازم، ضروری و حیاتی است. برای این منظور

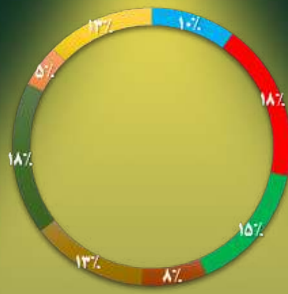
# آسیب شناسی صنعت مجازی

ژیله مو

حوزه، سعی نموده‌ایم با طرح سوالاتی به منظور دست‌یافتن به پاسخی که بتوان در حوزه معضلات اجتماعی، آزادی عمل-اراده و همچنین مسئله هویت فردی و اجتماعی به جزئیاتی حقیقی دست‌یابیم. تا که بتوان تحلیلی سالم و آسیب شناسانه به منظور رهیافت و نقطه آغازی برای گذار از این وضعیت بحرانی انجام داده باشیم.

در این شماره از ژیله‌مو با هدف دست‌یافتن به جزئیات و آمار در خصوص بکارگیری و تأثیرات شبکه‌های مجازی (شبکه‌های اجتماعی) به منظور تحلیل و بررسی آسیب‌شناسه در این حوزه، به شیوه‌ای غیرمستقیم با تعدادی از جوانان در صنف‌های مختلف شهری و روستایی با میانگین سنی ۲۱ سال نظرسنجی را انجام داده‌ایم. به دور از روش کلی و کلیشه‌ای آمارگیری در این





ورزش ■ طبیعت ■ کمدی ■ اخبار و موضوعات سیاسی ■ مشکلات اجتماعی ■ هنر ■ مد ■ علمی

نمودار ۱-۱ در ارتباط با موضوعاتی بوده که دغدغه روزمره جوانان را در شبکه های مجازی به خود اختصاص می دهد.



نمودار ۱-۲ روبرو شدن و شناخت جامعه آماری از پیامدهای شبکه های مجازی

از آن تعبیر نشود، می‌توان گفت که از آغاز به هدف بهره‌کشی ساخته و پرداخته شد و سپس در بطن آن علیه آن (قدرت-دولت و انحصار کاپیتالیستی) از جانب آزادی‌خواهان و جنبش‌های انقلابی-اگر اندک نیز باشد- به کار گرفته شد و مورد استفاده قرار گرفت. هرچند بطوری پیوسته هدف هجمه‌های سیستم قرار داشتند اما تا به اکنون نیز در برهه‌های زمانی مختلف و مکان‌های جدا ابراز موجودیت کرده و علیه ذهنیت در پشت پرده مهندسی و طرح‌ریزی شبکه‌های دیجیتال و سایر حوزه‌های دیجیتال در مبارزه‌اند (با ابزارهایی که سیستم به انحصار خود درآورده، علیه سیستم مبارزه کردن). بطوری که دستگاه قدرت برای تمام و کمال به انحصار درآوردن آن به سود خود، نتوانسته آنان را به تمامی سرکوب کند. باتوجه به وضعیت اعتراضی موجود علیه آن و همچنین ازهم پاشیدگی سیستم از درون، پی‌می‌بریم که نخواهد توانست در این مبارزه برتری تمام یابد و برتری آن به گونه‌ای تاما نسبی و مقطعی خواهد بود. به انحصار درآوردن علم و تولیدات علمی از جانب سیستم حاکمه کاپیتالیستی به منظور هژمونی قدرت و حاکمیت بر جوامع، تمام بسترهایی که از توان مبدل شدن به حوزه‌ای مثبت در پیشبرد و پیشرفت جامعه دارا بودند را وارونه کرده و به وضعیتی بسیار بحرانی و نقش‌آفرین در ازدیاد و تشدید معضلات اجتماعی درآورده‌اند.

**«رسانه‌ها نیز به نوعی همانند دومین خرد تحلیلی، بر روی جامعه تأثیرگذارند. همان گونه که خرد تحلیلی به خودی خود نیک یا بد نیست، رسانه‌ها نیز به خودی خود، ابزاری خنثی می‌باشند. همانند هر سلاحی، به کاربرنده‌اش نقش**

آغاز هزاره سوم با عمومیت یافتن اینترنت و توسعه هرچه بیشتر دنیایی مجازی، موازی و در جهت مخالف دنیای حقیقی همراه بود. دنیایی که در رقابت با جامعه حقیقی در پی ربودن ذهن، هویت و عواطف افراد جامعه و محصور کردن آن در میان انبوهی از ۱۰۰ های دیجیتال به هدف بازدهی برای سود رسانیدن به سیستم هژمونیک کاپیتالیستی و دستگاه‌های قدرت-دولت، اکنون پیشتاز این رقابت (بازی قدرت-سرمایه) است. در ابتدا اگر معضلات اجتماعی، همچو که رهبر آپو آن را «از میان بردن دینامیک جامعه» تعریف می‌کند نقطه عطف تحلیل خود قرار دهیم؛ می‌بینیم که معضلات اجتماعی موجود در بطن جامعه ریشه‌ای تاریخی داشته و اکنون نیز به اوج خود رسیده‌اند. معضلاتی درهم‌تنیده و پیچیده که برخلاف آشفتگی در ظاهر موضوع، از نظر انگیزه و هدف پشت پرده لاینحل و دور از قدرت ادراک ما نیست. رهبر آپو نیروی آغازگر معضلات اجتماعی را انحصار می‌داند. اگر کار انحصار «دچار ساختن اجتماعات به سقوط اخلاقی و ناتوانی در زمینه‌ی سیاست‌ورزی» باشد، آنگاه درک وضعیت موجود در تمام حوزه‌های مورد بحث قابل فهم‌تر خواهد بود. اطلاق نام شبکه‌های اجتماعی بر شبکه‌های به‌شدت ضد اجتماع، فریب‌کارانه بوده. رهبر آپو حوزه‌های اخلاق و سیاست را سنگ‌بنای اساسی جامعه کمونال تعریف می‌کند؛ پس حوزه‌ای که به تمامی اخلاق زدایی و سیاست زدایی شده است نمی‌تواند اجتماعی باشد.

با پیشرفت علم و تولید در حوزه‌های دیجیتال، این حوزه نیز به مانند سایر حوزه‌ها در خدمت دستگاه قدرت درآمد. اگر به بدبینی

خطرات نامحدود است. عصر انحصار مجازی نیز همانند سرمایه‌ی فاینانس تنها در جامعه‌ای می‌تواند وجود یابد که از ماهیتش خارج گردانده شده باشد. ظهور هر دو در یک دوره‌ی معین، امری اتفاقی نبوده و با همدیگر مرتبط اند. جامعه‌ای که دولت-ملت آن را از ماهیت خویش خارج نموده (جامعه‌ای که خویش را دولت-ملت می‌انگارد) و جامعه‌ای که رسانه‌ها اغوایش نموده‌اند، جامعه‌ای به تمام معنا شکست‌خورده است و از ویرانه‌های آن جوامع چیزهای دیگری ساخته می‌شود. شکی نیست که در نوعی عصر اجتماعی اینچنینی به سر می‌بریم.»



رهبر آپو به وضوح خطری که با آن مواجهیم را مورد بحث و تحلیل قرار داده و مارا از خطر نابودی که در پیش‌روست هوشیار می‌کند. امروزه رسانه‌های مجازی و در رأس آن‌ها شبکه‌های مجازی چون سلاحی در دست انحصار کاپیتالیستی علیه جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند. توان چاره‌یابی معضلات حیات حقیقی را به تمامی از جامعه گرفته و افراد جامعه را در انتزاع‌ها و تخیلات، به دور از واقعیت غرق کرده‌اند. مکانیزمی طراحی شده که نقش کاتالیزوری در هویت‌زدایی از فرد و جامعه دارد. دغدغه‌های مصنوعی جای دغدغه‌های واقعی را غصب کرده‌اند. دغدغه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... جای خود را به دغدغه‌های فردی و انتزاعی، چون میزان درآمد و راه‌های کسب درآمد (که بیشتر در ضدیت با منافع جامعه و طبیعت است)، جذابیت‌های ظاهری (با توسل به عملیات‌های جراحی پلاستیک)، موقعیت طبقاتی فردی، میزان

را تعیین می‌نماید. نیروهای هژمونیک، همانگونه که همیشه دارای قوی‌ترین اسلحه‌ها بوده‌اند، نیروی حاکم بر اسلحه‌ی رسانه‌ها نیز می‌باشند. به سبب اینکه از رسانه‌ها همانند دومین خرد تحلیلی استفاده می‌کنند، در امر بی‌تأثیرسازی نیروی مقاومت جامعه، بسیار مؤثرند. با توسل به این اسلحه، جامعه‌ی مجازی ساخته می‌شود. جامعه‌ی مجازی، شکل دیگری از جامعه‌کشی است. می‌توان دولت-ملت را نیز یکی از اشکال جامعه‌کشی محسوب نمود. در هر دو شکل نیز جامعه را دچار خودباختگی می‌کنند و به یک ابزار قابل جهت‌دهی انحصار متحول می‌نمایند. همان‌گونه که ناچیزانگاری طبیعت اجتماعی بسیار خطرناک است، خارج سازی آن از ماهیت خویش نیز به معنای گشودن درهای جامعه به روی

خود است. می‌خواهد در تصنعات مجازی زندگی کند و طبق میل در آرزوی دیگری بودن زندگی خود و شخصیت خود را تعریف کرده و با آن توهّمات زندگی کند. روزانه با افراد بی‌شماری طرف هستیم که با میل شبیه شدن به دیگری موقعیت اجتماعی، جنس، سن، مشخصات ظاهری، موقعیت شغلی، مکان زندگی، خصوصیات شخصیتی و... خود را مشخص می‌کند و با قابلیت تغییر لحظه‌ای در موقعیت‌های جدا می‌تواند

رفاه فردی (نه رفاه اجتماعی)، میزان مورد جلب توجه بودن، تقلید از جوامع کاپیتالیستی و بورژواها (که در تضاد با هویت ذاتی فرد و جامعه آزاد است)، شبیه دیگری بودن (که می‌تواند شخصیتی سینمایی، ورزشی، مدل یا ... باشد) و ... داده‌اند. دغدغه‌هایی که فرد را از واقعیت اجتماعی، تاریخی، هویتی و ... خود گسسته‌اند و از آن بیگانه کرده‌اند. نمودار «میزان جالب توجه بودن موضوعات» در نظرسنجی ما نیز نشان از آن دارد که

## شبکه‌های دیجیتالی که خود با به نمایش گذاشتن تنازعاتی از زندگی کاپیتالیستی در قالب رسانه‌های تصویری مسبب ایجاد چنین وضعیتی از خود بیگانه است، خود را نیز به جایگاه آلت‌رناتیو برای وضعیت موجود درآورده و از فرد خودباخته دعوت می‌کند که غمی نیست

زن شود یا مرد، جوان یا پیر، فقیر یا که ثروتمند، جذاب با چشمان رنگی شبیه به فلان بازیگر، فوتبالیست یا مدل و ... . ۵۷ درصد «در آرزوی زندگی مرفه سلبریتی‌ها بودن» حاکی از این واقعیت تلخ دارد که فرد در انکار خود (از هر نظر، اعم از ظاهر، موقعیت اجتماعی، موقعیت زندگی، هویت ملی، جغرافیای زندگی و...) در وضعیتی افسرده، بر تصاویر به خیال جذاب از طرز زندگی سلبریتی‌ها غبطه می‌خورد. در چنین وضعیتی فرد به خود انکاری، رد اطرافیان، رد باورداشته‌ها و... در دنیای حقیقی دچار می‌گردد. همه را (به غیر از مسبب اساسی) مقصر دانسته و به باد ناسزا می‌گیرد. شبکه‌های دیجیتالی که خود با به نمایش گذاشتن تنازعاتی از زندگی کاپیتالیستی

موضوعات جدی قابل توجه عموم نبوده و بیشتر مطالب ساختگی به منظور بهبودیابی وضعیت روحی (فردگرا است، اراده‌اش ضعیف گشته، امید به زندگی ندارد، خود به مثابه‌ی هویت اجتماعی و تاریخی‌اش را نمی‌شناسد، به پوچی گراییده و...) که در اثر تخریبات و تهاجمات رژیم جنگ ویژه موجودیت آن زیر سوال برده شده و خود بودنش نیست انگاشته می‌شود، جلب توجه می‌کنند. با وجود آنکه ۶۴ درصد، موضوعات مورد بحث را به دور از واقعیت موجود در بطن جامعه حقیقی دانسته‌اند اما میانگین استفاده از آن ۶.۲ ساعت در شبانه روز است. این میانگین نشان از آن دارد که فرد از واقعیت برحذر است و ناآگاهانه در تلاش برای خودفریبی و کتمان راستی، بیرون از صفحه چند اینچی موبایل

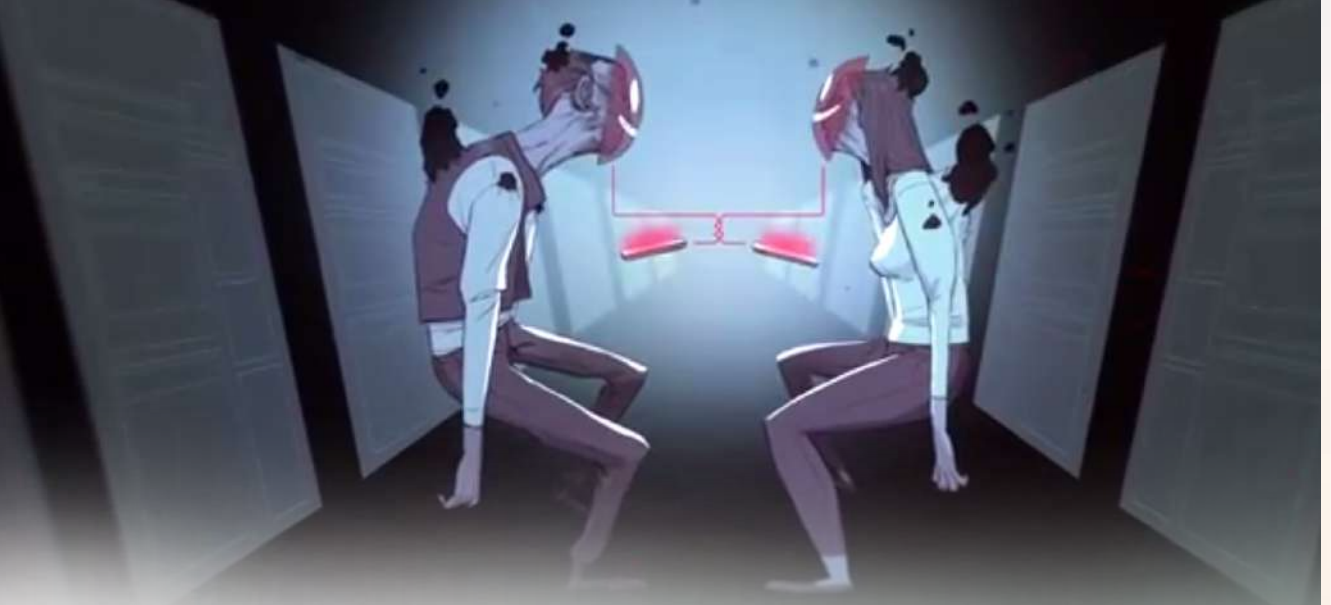


شرکت‌دهنده‌گان ما اعم از زن و مرد مورد خشونت قرار گرفته‌اند و جالب‌است که خود آنها نیز چون ابزاری برای خشونت متقابل بدون آنکه خود آگاه باشند، مورد سواستفاده واقع شده‌اند. فضایی پر از تش و پرخاش، که همه در آن هم قربانی و هم ضد قربانی‌اند. تولید انسانی تنها و افسرده که مدام در خواهش و تمنای مورد جلب توجه واقع شدن و دیده شدن است. **زن\_مرد روزانه طبق فروش روز صنعت مد ظاهر خود را می‌آراید، طبق خواسته بازار روز مد از نوک پا تا به موی سر خود را آرایش می‌دهد، خود را چاق، لاغر، عضلانی و با لباس‌های گاه تنگ، گشاد، پاره و ... به نمایش می‌گذارد.**

انسانی که در دنیای حقیقی تنها، افسرده و خودباخته است، شبکه‌های اجتماعی در حکم آلترناتیو وضعیت موجود (که خود چنین به افراد القا کرده‌اند) درآمده و با اعتماد به نفسی مصنوعی در پی دوست‌یابی و افزایش فالوورهایش است. به‌منظور هرچه باشکوه‌تر نشان دادن این محفل مثلاً اجتماعی انتزاعی، تمام امکانات تکنیکی و دیجیتالی را در دسترس همگان قرار داده شده است.

**در عصر دیجیتال تمام جذابیت‌های بصری، ظاهری گشته و تهی از محتوا می‌باشند. تصاویری که غرایز افراد**

در قالب رسانه های تصویری مسبب ایجاد چنین وضعیتی از خود بیگانه است، خود را نیز به جایگاه آلترناتیو برای وضعیت موجود درآورده و از فرد خودباخته دعوت می کند که غمی نیست، در این دنیای مصنوعی-برساخته امیال فردی و به شدت ضداجتماعی- می‌توان آنگونه که دلت می‌خواهد زندگی کنی و نتیجه آن است که اکنون با آن مواجه‌ایم. فضایی آغشته به بحران که در آن هر شخصی ابژه‌ایست برای تبلیغات و بازدهی سود برای انحصارات سرمایه‌داری. هر فردی ابزاری است که ناخواسته تبلیغ ایدئولوژی سرمایه‌داری را می‌کند و چون عروسکی خیمه‌شب‌بازی به بازی گرفته شده است. ناخودآگاه علیه جامعه قد علم کرده و با آن و سایر بنیان‌های اخلاقی و سیاسی‌اش در جنگ است. تنها ۵۹ درصد «استفاده از هویت واقعی» در شبکه‌های مجازی صحت این امر را تأیید کرده و می‌گوید که بیشتر از یک سوم افراد جامعه (به دلایل گوناگون) مستقیماً از هویت واقعی خود در فراراند و با هویت جعلی فعالیت می‌کنند. این وضعیت ناشی از ترس است، ترسی که ملیت‌گرایی، مذهب‌گرایی، جنسیت‌گرایی و فردگرایی مدرنیت‌های کاپیتالیستی ایجاد کرده. ترس و وحشت از فضای به شدت تحت تأثیر ذهنیت مردانه و خشونت‌بار که فرد خود را در امنیت ندیده و مداوماً منتظر حمله از جانب همگان است. ترس از سرزنش و مورد شوخی واقع شدن به دلیل ظاهری که ممکن است زیبا پنداشته نشود. ترس از سخن گفتن به زبان مادری و از هویت خود که از طرف همگان انکار یا آنکه بی‌ارزش تلقی می‌شود و بسیاری دلایلی که مسبب خودباختگی و شکست روحی و روانی فرد است. ۹۲ درصد



بیشتر انسان‌ها به همدیگر در عصر ما ریشه در تلاش برای هم‌وزن‌سازی و آسمیلاسیون جوامع از طرف انحصار کاپیتالیستی دارد. در بسیاری از شرکت‌های رسانه‌ای و پلتفرم‌های دنیای مجازی بسیار آندسته از طراحان، مهندسان و مدیرانی که اکنون به عمق فاجعه پی برده‌اند و در پی فاش کردن نقشه این رسانه‌های دیجیتال دارند. آنها از مدینه فاضله‌ای حرف می‌زنند که اکنون دست‌وپایی بیش نیست. اتصال آنلاین اکنون به بایده‌مبدل شده که دوری از آن غیر ممکن گشته و به سطح اعتیاد رسیده است. الگوریتم‌هایی طراحی شده که به منظور کنترل هرچه بیشتر بر افراد کار می‌کنند. در ابتدا با هدف گرفتن سلیق شخصی و تشخیص آنها، برای خود مقبولیت کسب می‌کنند. بطوری که وقتی یک فرد در جست‌وجوی مطلبی در اکسپلورر می‌باشد با پیشنهادهایی از طرف هوش مصنوعی مواجه است که طبق سلیق فرد اسلایدها ردیف‌چینی کرده و این امر باعث هرچه حیران ماندن و وابسته شدن فرد بدان است. الگوریتم طبق داده‌هایی که فرد به اشتراک گذاشته به دنبال روزنه‌ایست که او را بهتر بشناسد و سلیق و علایقش

را (همان غریزه‌ای که از طرف رژیم جنگ ویژه از معنا گسسته و به ابزاری برای کنترل بر فرد و جامعه به کار برده می‌شود) تحریک کرده و انگیزه ابزار و کالاشدگی را در فرد برمی‌انگیزد.

بطوری که فرد مدام در تلاش است خود را به نحو احسن در ویتترین نمایش محصولات کاپیتالیستی عرضه کند. نرم‌افزارهای ویرایش عکس و فیلم (سایر فیلترها و ...) همه بدین منظور طراحی شده‌اند. فیلتر (استانداردهای غیر طبیعی زیبایی) خودفریبی و دگرفریبی است که میل به تغییرات غیر طبیعی را در ظاهر افزایش می‌دهد. حربه‌ای ارزان به منظور رسیدن به ظاهر دلخواه (ظاهر همان بازیگر فلان سریال تلویزیونی که در ویتترین نمایشی روز در صدر تقاضا قرار گرفته) و تنها بدینجا ختم نشده و در صنعت پزشکی نیز برای ممکن کردن غیرممکن‌ها با انواع جراحی‌های زیبایی افراد بسیاری از جامعه را به یک شکل درآورده‌اند. فرمی ثابت طبق مد روز که همگان اعم از زن و مرد به منظور بالابردن اعتماد به نفس خود به جیب سرمایه‌داری پول ریخته و به جایگاه مانکنی برای تبلیغ محصولات آن درآمده‌اند. تشابه ظاهری هرچه

که در زیر بمبارانی از شایعات مجازی باشیم. سیستمی که اطلاعات غلط را مداوماً به ذهن و احساسات افراد تزریق می‌کند. این سیستم بدان آگاه است که اطلاعات غلط بیشتر سودساز می‌باشند؛ چون خود چنین می‌خواهد. می‌توان گفت مدلی تجاری از اطلاعات غلط به منظور کسب سود طراحی شده است. باید بدانیم هوش مصنوعی نیز توان تمایز دادن راست یا دروغ بودن اطلاعات نشر شده در رسانه‌ها را از هم ندارد و نخواهد داشت، چون فاقد بعد اخلاقی (وجدان جمعی) می‌باشد. پس سیل عظیمی از دروغ‌های تماماً مهندسی شده در رسانه‌های دیجیتال جاری



است و رسانه‌های دیجیتال به مکانی برای بدبینی، توهم‌طوتئه و پوچ‌انگاری مبدل شده‌اند. طوری که بیشتر مشترکان نیز از آن آگاه‌اند اما توان مقابله با آن را ندارند و خود به بخشی از آن درآمده‌اند. چون قورباغه‌ای که با اندک اندک درجه حرارت آب را بالا بردن توان جهیدن و بیرون آمدن را از آن گرفته باشند. در عصر رسانه‌ها جوامع و بخصوص نوجوانان و جوانان به کنترل یک سری الگوریتم‌های طراحی شده از طرف انحصار کاپیتالیستی و دستگاه قدرت دولت

را شناسایی کند. سپس طبق داده‌های دست‌یافته، دست‌به‌کار شده و کنترل امور را به دست می‌گیرد. وقتی فرد در یوتیوب یا سایر پلتفرم‌های دیگر در اکسپلورر به دنبال سرچ موضوعی به تماشای پیشنهادی ردیف‌چینی شده کشیده می‌شود، گاه ساعت‌ها در آن محصور مانده و ناخواسته به پرسه‌زنی‌های طولانی در میان مطالب از پیش تعیین شده کشیده می‌شود. موتور سرچ گوگل نیز با الگوریتمی مشابه و بسیار پیشرفته‌تر که طبق جغرافیای محل زندگی فرد مطالب را عرضه می‌کند و به‌منظور جلب توجه کردن مسابقه می‌دهد، بزرگ‌ترین کمپانی تبلیغاتی بوده و در جهت‌دهی افکار عموم نقشی اساسی را عهده‌دار است.

جاستین روسستین از مهندسان طراح فیسبوک و گوگل و طراح دکمه لایک در فیسبوک، می‌گوید که: «توجه ما به مثابه محصول به تبلیغات فروخته می‌شود». روسستین از انگیزه طراحی دکمه لایک نیز چنین می‌گوید: «هدف از طراحی دکمه لایک پخش انرژی مثبت در دنیا بود، ولی امروز شاهد افسردگی نوجوانان به دلیل نگرفتن لایک هستیم». کسانی که خود بخشی از مدیران و طراحان شبکه‌های دیجیتال بوده‌اند اکنون اعتراف می‌کنند خود آنها نیز تحت کنترل ابداعات خود درآمده‌اند. می‌توان گفت نوعی مهندسی برای جهت‌دهی توجه همگان به سمتی که عده‌ای خواهان آن‌اند در جریان است و خود مدیران و طراحان این رسانه‌ها ابزاری برای اهدافی بزرگ‌تراند. بحران‌های دنیای حقیقی انسان‌ها و اخبار ناخوشایند، تمایل به اطلاعات حقیقی را کم کرده و دوری از واقعیات دنیای حقیقی باعث گشته

جوان و زنانی پیشاهنگی انقلاب «زن زندگی آزادی» را بر دوش گرفته بود که تا قبل از روزهای پرشور انقلاب گرفتار معضل مورد بحث بودند. با توجه به این خصوصیت ذاتی جوانی، که جوان مداوم در جست‌وجوی کشف راه‌های نزدیک‌تر به حقیقت برای رسیدن به حیات آزاد است؛ در نتیجه جست‌وجوی رهیافتی برای خروج از کائوس گریبان‌گیر حیات اجتماعی، پیشاهنگی مترقی‌ترین انقلاب عصر ما را بعهدہ گرفت. در روزهای انقلاب وضعیت موجود برعکس شده و این جوانان بودند که برای خدمت‌رسانی به انقلاب از شبکه‌های مجازی علیه دیکتاتور و دستگاه سرکوب‌اش استفاده می‌کردند. پس می‌توان گفت دغدغه‌هایی بسیار جدی‌تر وجود دارند که سعی بر آن است با توسل بر حربه‌های دیجیتال مخفی نگه‌داشته شوند. چون حفاظت از منافع سیستم بر آن است. باید این پرده دروغ را پاره کرد و حقیقت را برهمگان آشکار کرد. این وظیفه بر دوش ما زنان و جوانان است. باید دانست که «حیات اشتباه آمیز را نمی‌توان صحیح زیست» و با اعتقاد و ایمان به این گفته رهبر آپو که «حقیقت عشق است و عشق حیات آزاد» در بساخت آن گام‌هایی با عظمتی راسخ و اراده‌ای پولادین برداریم و به آن جامه عمل بپوشانیم.

درآمده‌اند. هدف از این الگوریتم‌ها تبدیل کردن انسان به ابزاری برای بازدهی و سود بیشتر برای انحصار کاپیتالیستی است.

سخن آخر می‌توان گفت که آگاهی از وضعیت موجود و خطراتی که گریبان‌گیر ما هستند مهم بوده اما این خود کافی نیست. با ابزارهای سیستم (که هدف از طراحی و شیوه‌کاری آنها را تا حدودی مورد بررسی قرار دادیم) علیه آن مبارزه کردن، مستلزم شناخت و توان فکری و عملی می‌باشد. هر جوانی با علم به اینکه از این وضعیت بحرانی شناخت دارد و از آلترناتیوی دموکراتیک برخوردار است می‌تواند به توان و انرژی بالفعل برهم‌زدن اهداف انحصار کاپیتالیستی و رژیم جنگ‌ویژه آن مبدل شود. شناخت و دستیابی به نیروی راستین جوانی و درک موقعیت و جایگاه پیشاهنگی خود در سایر حوزه‌ها، اراده مقابله، مقاومت و مبارزه با وضعیت موجود را به ما می‌دهد. ما جوانان باید موضع خود را روشن ساخته و دارای گارد دفاعی در برابر سایر تهاجمات باشیم. در تنازعات و تخیالات تصنعی دور از باور گرفتار نگردیم و گسست و بیگانه‌شدن با دنیای حقیقی را از بین ببریم. خیال بساخت جهانی دموکراتیک را در افکار و احساس خود پرورانیم و برای عملی کردن آن در تلاشی بی‌وقفه باشیم. در ایران و شرق کوردستان نیز نسل



# ایلام



ایلام یکی از شهرهای بزرگ و میهن دوست شرق کوردستان می باشد که دارای تاریخی هزاران ساله بوده، و قدمت آن به قبل از میلاد مسیح و سومریان نیز می رسد. در این مناطق خلق کاسی ها بیشتر در لرستان و کرمانشاه امروزی، در همسایگی هوری و اورارتو ها می زیستند. شهر ایلام امروزه دارای جمعیت ۳۰۰ هزار نفری می باشد و اکثرا به گویش کلهری، صحبت می کنند.

پایتخت ایلام شوش بوده که در زبان عبری به معنی سرزمین های مرتفع است، برخی معتقدند که عیلام کولونی سومر و بابل بوده و برخی نیز آن را تمدن و سرزمینی مستقل می دانند. کوروش هخامنشی به حکمرانی آن ها پایان داد و ضمیمه ی امپراتوری هخامنشی شده است. ایلام باستان، علاوه بر خوزستان و بوشهر، مناطقی از شرق کُردستان نظیر ایلام امروزی (معروف به عروس زاگرس)، لرستان، بختیاری و یاسوج را نیز دربر می گیرد.



عیلام در عهد اشکانیان به ساتراپ الیمایید شهرت داشته است. عیلامیان ایزد بانوانی همچون پینی کر (معادل ایشتار)، کری ریشا و پارتی را پرستش می کرده اند و مار را حیوانی مقدس شمرده اند. در ادوار بعدی، نظام خدایان مرد نظیر هوم بان، ناهونته (خدای خورشید)، اینشوشیناک (ایزد نگهبان شوش) و شیموت برقرار گردید.



ایلام مداوم یکی از شهرهای دارای فرهنگ مقاوم‌ترا و همچنین پیوند خورده با زندگی اجتماعی و کومینال بوده، در طول تاریخ در برابر هجوم سومریان، بابلیان و آشوریان، هخامنشیان، صفویان و عثمانی ها تا پهلوی و جمهوری اسلامی در برابر هجوم فیزیکی و هویتی از خود مقاومت نشان داده اند.

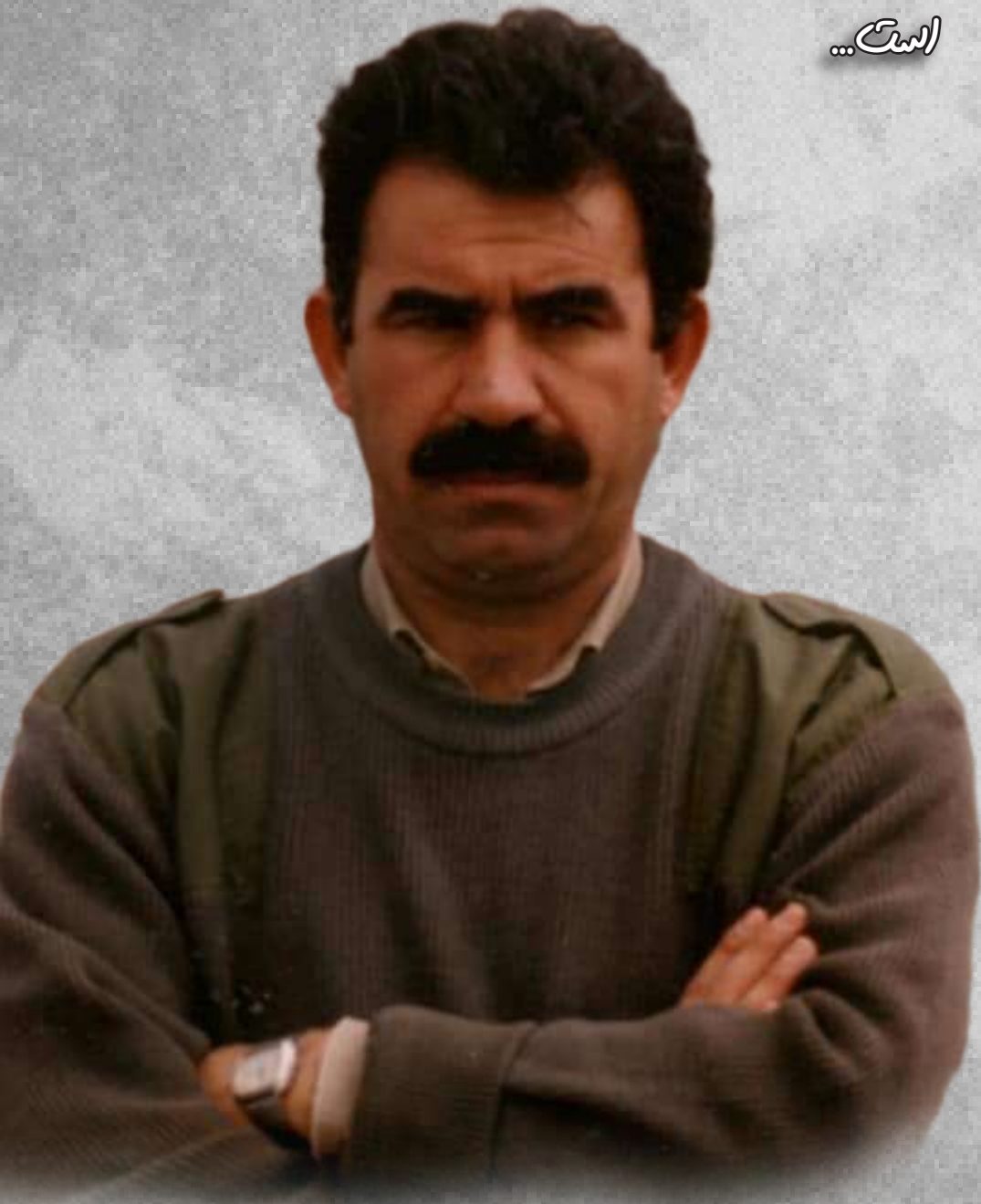


با سربرآوردن جنبش آپویی و همچنین بعد از توطئه بین‌المللی در برابر رهبر آپو، خط مقاومت تازه ای در زنان و جوانان شکل گرفت و با پیشاهنگی آنان مسیر کوهستان های آزاد را برای تحقق زندگی آزاد دربرگرفتند. ایلام یکی از مناطق شرق کوردستان می باشد که مداوم در برابر اشغالگران سرزمین پیشاهنگی نموده است.

در انقلاب زن زندگی آزادی بیشتر شهرهای این منطقه همچون آبدانان، مهران، ایوان... نقش و رویکردی رادیکال را از خود نشان دادند. و شهدای گرانقدری را در راه آزادی تقدیم نمودند.



برای نرسیدن به تو  
آبها را هم قفل و ریزگذار می کرده اند  
اما کلمات تو، کلید تمام درها می بسته  
است...





# DÎROKA KU NAYÊ TUNE KIRIN

## AFRODÎT

■ VIYAN PEYMAN

**A**FRODÎT di mîtolojîya yunananda wek xwedawenda evîn tê nasîn. Heman demê mirov peyv bi peyv dikare afrodît pênase jî bike. Di Grêkan de AFR bi zimanê kurdî tê wateya kef' e. Yanî dibejîn kû Afrodît bi kefên behre çebuye. Ji ber wê ew qas bedev û xweşikê. Lê mirov wek naw bi zimane kurdî hîn devlementir ji bike AF (AV), RO, DÎT yanî dibe av ro dîtîye. Ew rastîya kefê behre mirov wisa dayne berçavan. Her wiha Afrodît wek sembola bedevî û xweşikîya jine tê nasîn. Di fikir û mejîye xwede afrodît her azad dîjî û her wisa jî dimîne.

Dî seride penaseya jin kirin û role wê ya civakî mirov di jîyana rast de dikare dîyarde bike. ew mijar tenê ji bo taybetmendîye biyolojîk û statûya wê cîvakî nayê bi nav kirin. Wek hebun peyva jin pir gîrînge û wek ciwak û ciwan em çiqas zanebûna peyva jin dane? Ger li gor wê rastî nezî jin buyîn hebe mirov dikare jîn pênase bike û wata li ser bar bike. Dîsa qasî kû mirov jîne pênase bike ancax dikare zilam jî pênase bike. Heman deme bi rîya zilam em nikarin jin û jîyan pênase bikin. Hebuna jin a xwezayî cîhek xwê a nawêndî heye. Rastîya cîvakî ya heyî û jîyana şaş wan rastîyana baş tîne berçavan. Tîştên kû di wê warîde em dikarin bejin kû jîyana



kû em niha têdane ew rastîya çiqas dîbînîn ango nabînîn yan jî çawên me çiqas hatiye kor kirin?

*Li gor wê rastî em binerin di naw civaka xwezayîde herî peşda jin û keda*

*wê hebu.* Piştî demên direj şundatir zilam xwe bi darê zorî tîne peş. Ew bi rîya hêza fîzîkî rê bi

peşketina necîr-wantî zemînê wê tê avêtin. Berîya mîladê 4.000 ande dikeve peş û civaka Sûmeran wê zilam û îqtidar di asta zîrwedê xwe ferz dike. Bi taybetî hin karen kû bi hêza qaba tê xwestin û şixulandin zilam ji malê yanî ji ciwakê xwedavendan dûr dixê û zilam her mîlîde ser civakê tê serwer kirin. Ji ber wê yekî otorîteya bihêz a despekê li ser jin kirin tiştêkî tesadûfî nîne. Jin di civakêde hêz û pêşengekî xwezayîye. Dayika ciwak û hêze wê desteserkirn, ji bo zilam wat-eyekî wê pir stretejkî heye. Dîroka Sûmeran wê mirov pir baş dîbîne kû ew rastî çikas piştrast dibe. Bi peşvaçuyîna Sûmer rahîban hedî hedî xwedawend tesira xwe wînda dike. Bi afrodît wê Nînursag û Înanna jî gîrîngîya xwe wînda dike. Ev yek ger baş were femkirin pewêstîya dîroka Sûmeran bi kûr we

## Bi peşvaçuyîna Sûmer rahîban hedî hedî xwedawend tesira xwe wînda dike

lêkolîn kirin heye. Hem alîye zîhnîyeta zilam a xwe bi zorî ferz dike û devlet-buyîne avadike dike Sûmer Rahîbin.

Kolebuyîna jin, wek cins cihêkî be statû hatiye hêştin. Di wê warîde jin hatiye girtin zimane wê û deve wê hatiye girtin. Mînaka herî ber bi çav Havva û Adem da jî ew rastî heye. Havva hem

adem dixê gunehî hem jî ji parsûya adem çebuye. Nakokîyên kû li wêdere heye ewe kû Havva ci-he gunehkâr daye. Heman deme bi wê cihe de zemîna koletîye û deshilatdariya zilam pêşva diçe. Di wê mijarêda kole-buyîna cins bi avayekî şî-lo alîye zilam re tê peşx-istin.

Kapîtalîzm dema bu sîstemêkî hakîm şundatir tovên xwedavendan a dawî pîrebokan bi aveyekî bikaribe civakbuyîn tasfiye bike necîrvantîye pîrebokan kiriye. Bin nawe slo-gane neçîra pîrebokan da jinen kû pêşeroj û paşeroje civakê bun bi avayekî zîndî hatin şewitandin. Bi wê aqla serdest û hegemon hafizayê ci-vak da pêşeroj û paşeroj nahêlê ew jinen pîroz hatin



qatil kirin. Hegemonya ya xwe li ser jine û ciwakê ferz bike şewitandina wan pîrebokan dibe sersebeba koletîye jinê. Bi wê sîstemera giredayî aqle zilam, aqlê jine a bi hêstên netevî wa giredayî her tim "kem" dîtîye û wêya dixwaze bike karektere jine. Ji Afrodît heya Havva ev operasyonên li ser jine hat kirin û hînajî tê kirin.

## Hin mijara da mirov wan operasyona dikare bi nav bike;

**1) Jin koleya male hatîye kirin.** Wê pêvajode jin bi avayekî hov hatiye serkut kirin, tecavuz, heqaret û qatîlam kirin. Hem dibe mulke esasî ya zilam hem jî dibe makînaya zarok anîne. Berdewamîya zilam hetim bi zarok anînra dikare bike. Rûye xwe bîle vekîrî helîştin mijarekî namusî a bingehîn dibe.

**2) Amurekî cinsele.** Wê mijarê de jin her tim mirinera rûb rûye. Ger wê mijareda nerazîbun jî nişan bide zilam bi awayîkî destdirêjî bersiv dide û zorî li ser jin dike.

**3) Kedkarê male ê heya davîye.** Hemu karan dike. Rûxme wê her kem tê dîtîn. Dîsa mile aborîde jin pêwîste esas be girtin. Lê zilam wê aborîjî deste jin digre û dixwe hîzmeta sermaye û îqtîdar.

**4) Metayekî pir zirave.** Marks dibaje qralîçeya metayan pere ye le rol rojemeya îrode buye rola jine.

*Kralîçeya metayan dibe jin bixwe. Ji bo hemu amuren sîstema modernîte ya kapîtalîst tê karanîn.*

Mirov dikare hîn zêdetir jî wan buyeran weke u maddeyan zede bike. Le bele em dema xwedawendan meyze dikin û dîroka zilam ra tînin gel hev bi rastîjî nirxen mezin a civake her tim erîşên hovanera hatîye rûb rû maye. Xwedawenda evine AFRODÎT jî wek xwedawendên dîtîr her hafizaye ciwak maye û buye çîrokên ber lêvên dayikên axê pîroz a Kurdistan. Ger bi pîrozîya xwedawenda evine AFRODÎT jîyane kî bedev û xweşik hebe ew jîyan te jîtîn. Le jîyanekî bi evine sexte bi azadîye sexte re hatîye helîştin ew jîyan naye jîyîn. Jin û ciwan bi bedevîya afrodît xwe bisperin jîyana bedevîya Kurd û Kurdistan.



# PÊŞENGÊN BERXWEDAN



## ■ SERHILDAN KURDO

Ji bo gelek, netewek di bin pencên qirkirina şaristaniya navendî de maye û ji rastiya xwe hatiye dûrxistin û ji rê ya xwe ya heqîqetê hatiye derxistin, rê ya xwe ditîn û ketina rê, ya giring û serekeye. Ji bo Gelê Kûrd jî ev yek derbasdare. Gelê Kûrd çawa û bi çi şewazê hatiye manîpûlekirin ji rastiya xwe çawa hatiye derxistin zanîn girînge. Bi şaristaniya navendî ya desthilatparêz-dewletparêz ve Kûrd ji tevahî nirx û xisletê xwe yê dîrokî, çandî, exlaqî, cîvakî hwd hatiye dûrxistin. Gelê kû wek Gelê Kûrd di miriv de cîvakbûn avakirîye û mirovahîbûnê pêşxistiye daye ji bîr kirin û di nav pelên dîrokê de hatiye wendakirin. Gelê kûrd bî wayî ji xisletên xwe yên demokratîk, komûnal, exlaqî û polîtîk yên kû cîvak û mirovahiyê pêş dixwe, mezin dike û manewîyata cîvakê xwedî û têr dike re, bêpar hatiye heştin. Bi taybetî di serdema modernîteya kapîtalîst de bi destên netewe dewletan li ser cîvaka Kûrd bi armanca tûnekirina hemû nirx û xisletên mirovahiyê

qirkirinek çandî, exlaqî, dîrokî û fîzîkî hat meşandin. Di encama kiryar û qirkirinên dijwar ên Kûrd pê re rû bi rû ma de; rastî û heqîqeta xwe ya dîrokî li hêlek êdî navê xwe jî nedianî ser ziman.

Bê gûman li hember kiryarên qirkirin û metîngehî berxwedan, serhildan çêbibin jî, bi encamek tepisandin, pelçiqandin û tûnekirinê ve rû bi rû di ma. Bi avabûna qirker-metînger tc yê ve li hemî beşên Kûrdîstanê, her dewlet beşa kû li ser metîngehî dimeşand de bê sînor û bê hesap her tişt lir ser Gelê Kûrd û axa Kûrdîstanê rewa ditîtin û pêk dianîn. Ji bo qirkirina Gelê Kûrd û dagirkirina axa Kûrdîstanê bii her awayî kiryarên dermîrovî meşandin. Encam serhildanan Kûrd bi erdê re dibûn yek û bindiketin.

Di dem û wextek bi vî rengî de kû Kûrd xwe ji mirinê re razandibûn de derketina Rêber APO û PKK, ji bo Kûrdan bû mîladek û serberjêr çûyina xwe da rawestandin. Pêl bi pêl vegera cewhera xwe û li ser koka xwe; bi jiyan û têkoşînek bêhemanpa, bi lehengî

û berxwedaniyên destanî ve pêkhat. Mîlada kû di pêşengtiya Rêber APO û PKK pêkhat ji bo bi encam nebe dewleta faşîst-qirker bi sedan komplo, leyîstok, fen û fût pekanî. Cuntaya 12 îlona 1982 an jî yek ji vê û ya despêkê bû. Bê gûman ev înkîlaba eskerî ne li hember hikûmeta heyî li hember hêzên şoreşger û bi taybetî li hember vejîna Kûrd a kû di pêşengtiya PKK de çêdibe

14 Tirmehê di diroka partiya me û Gelê me de di milê siyasî, cîvakî, çandî, eskerî û rêxistinî de şoreş dayê avakirin û şoreşa fikr û hest di vê çalekiyê de pêşketiyê.

re pêkhat. Bi deh hezaran kes hatin girtin û avêtin îşkencexaneyan û zindanan. Bi armanca tûnekirin û teslîm girtinê îşkence û kiryarên dermîrovî yên kû nayê bîra mirov, kelî bi kelî li ser şoreşgerên rûmeta mirovahî diparast dihat meşandin. Hemû hesabên qirker-metîngeran zindana amedê de PKK teslîm girtin bi vê re tasfîye kirin bû. Lê hesabek nekiribûn ev jî; ne Rêber APO rêberek klasîk Kûrd bû ne PKK dişîbîya tevgerên nîjadperest yên Kûrdî ne jî mîlîtanê wî dişîbîyan kesên dîtir. Bîr, bawer, îrade, hişmendî û rihê kû Rêber

APO da bû avakirin, bi kadroyên Partiyê re li Kûrdîstanê pêl bi pêl mezin bibû. Li zindan û îşkencexaneyên metîngerîyê de gîhîşt lûtkeyê. Îşkencexaneyê metîngehîyê de faşîzm ji bo Vejîna Kûrd bide rawestandî û Partiyê di zaindanê de teslîm bigre, tasfîye bike, tiştê kû nekiribû nemabû. Li dervayê PKK tevahî rêxistin teslîmîyetê qebûl kiribûn û ji bê rûmetiyê re serî tewandibûn.

Lê di şexsê pêşengên partiyê de berxwedanî gîhîşt lûtkeyê û zafer bidest xist. Di şert û mercên herî zihmet de dinavenda dijmin de, dijmin bi binxistinek dîrokî re rû bi rû heşt. Berxwedaniya zindana Amedê sembola xwe ji çalekiya rojiya mirinê ya mezin a 14 Tirmehê digre. 21 adarê Mazlûm DOXAN çirûska vê berxwedanê pêxist, **bi çaran ev çirûsk gûr bû bi berxwedêrên 14 Tirmehê ve ev agirê berxwedanê têkoşîna azadiya Kûrdîstanê de bû jêdera hemû berxwedanî û serkeftinan.** Hemî berxwedanên

pîştî 14 Tirmehê pêşketine bingeha xwe, hêza xweji vê berxwedaniya efsunî digrin. Berxwedaniya zindana Amedê tenê dijmin di aliyê îdeoljîk de binnexist diheman demê de pêvajoyek nû hem di diroka kûrdîstanê de hem jî rojhilata navîn û cîhanê da despekirin. Çalekiya rojiya mirinê ya mezin a 14 Tirmehê di heman demê de şerê îdeolojîk, îradî û baweriyê bû kû hêviyên gel yê azadiyê û peşeroja Partiyê da diyarkirin. Hevalen kû va çalekiyan bi serkeftî pêkanin di zanebûn û kûrbûna dîrokek nû didin despêkirinê de bû. Ji ber PKK di Kûrdîstanê de fikrek, îdeoloji û jiyaneke

nû bû û bû hêvîyek ji dirok ji nû ve zindî kir. 14 Tirmehê di diroka partiya me û Gelê me de di milê siyasî,cîvakî,çandî, eskerî û rêxistinî de şoreş dayê avakirin û şoreşa fikr û hest di vê çalekiyê de pêşketiyê. Li Kûrdîstanê diyar bû kû serkeftin encax vê rih û tarzê di şexsê va şerker û şervanên heqîqetê de pêk werê. Ev rihê şoreşa Kûrdîstan û tarzê wê ye. Şoreşa Kûrdîstanê şoreşek zihmetiyê xwe pir zêde ne û li gor pir kesan jî ev şoreş ji ber van zihmetiyan çênabe. Di welatek wek Kûrdîstanê kû bûye çar perçe û hemû hêzen metînger yên cihanê li ser hegemonya ya xwe avakirine de şoreş pêkanîn pir diware. Di şert û mercên zindanê yê herî zihmet de li hember ev dijminê elçax ,faşîst û hov şoreşgerti kirin,têkoşîn pêşxistin û encam girtin vê dijwari û zihmetiya li kûrdîstanê bê watekir, bû ronahiya serxwebûna Kûrdîstanê. Ger îradeya berxwederên 14 Tirmehê li kûderê be li wir tû kesek ji bo şert û mercên zihmet nikre bibêje peşketin çênabe. Tarz,rih,îrade û şerkeriya Apogerî bi vî awayî xwe di 14 serkeftina 14 Tirmehê de şenber kiriye. Ji xwe vê rih,tarz û îradeyê di berxwederên 14 Tirmehê de avakiriyê Rêber APO ye. Ji ber vê yeke Kemal PÎR ' heta Rêber APO jiyana bike Kemal PÎR nemire' dibêje û bîr,bawerî û girêdanbûna xwe ji Rêber APO re tine ser ziman. 14 Tirmehê biryardariya Apogeriye ye. Bi vî awayî bû hêza herî mezin ya Rêber APO ji bo Pêngava 15 Tebaxê pêk bîne û li Kûrdîstanê Gerîla serwer bike. Berxwederên zindana Amedê de li Kûrdîstanê mirin bê wate kirin û jiyane bi rûmetkirin. Gotina Kemal PÎR ' Em jiyane ewqas hezdikeyn kû

di oxira wî de canê didin' bû bingeha jiyana nû ya kûrdîstanê.

Ger di roja me ya îro de Têkoşîna Azadiya Kûrdîstanê bû îlhama hemî gelên kû li dijî modeniteya kapîtalîst têkoşîn dike ev bingeha xwe ji 14 Tirmehê digre. Şoreşa Gelan ya kû li Rojavayê Kûrdîstanê çêbû encama rih,îrade,tarz û şerkeriya 14 Tirmehê ye. Li rojhilatê Kûrdîstanê Şirim Elehmûlî, Ferzad Kemanger û hevalên xwe di bin îşkenceyê Rejîma Îranê de bi rih, tarz û îradeya 14 Tirmehê berxwedan. Şoreşa jin-jiyana-azadî jî li ser vê bingeha berxwedêr û serhildêr peşket. Dîsa îro li tevahî Kûrdîstanê û bi taybetî li zap, avaşîn û metîna dewleta tirk a dagirker-faşîst û metînger li hember Gerîlayê Azadiya Kûrdîstanê binket, encama bîr,bawerî,rih,tarz û ji şerkeriya 14 Tirmehê ya serkeftinê ve gihişt zaferê.



# کولانی میٹرو



# عراق



# شەھید سەمگۆ سەرھەلەدان

## ئابومى شەھیدان



شەھید  
شاھان دژرايون



شەھید  
مەكيد توشبا



شەھید  
ساريا ئۆنۈور





# تیگارہ کان دہ دوئین



# رۆژ تەخمىرى شۆرش

سالرۇزى كۆمەلكوزى ئىزىدېكەنى شەكەلە

۱۲ گەلاوئىز

سالرۇزى كۆچى داووبى مامۇستا شىزكۆ بىكەسە

۱۴ گەلاوئىز

سالرۇزى دەستىيىكىردنى ھەلمەتى ۱۵ ى تەباخ يا شەرى چەكدارى  
بە فەرماندەبى ھەفأل عەگىدە

۲۴ گەلاوئىز

سالى ۲۰۰۶ ، سالرۇزى دامەزراندنى كەجەرەبە

۲۴ گەلاوئىز

سالرۇزى لەسىدارەدانى دوو خوشكى تىكۇشەرى  
كورد خەلكى سەقز بە ناو شەلا و نەسرین كەعبىيە  
۵ خەرمانان

لەسالى ۱۹۷۹ بە فەرمانى خومەبىنى. رۇئىم ھىرش  
لەسەر كوردان دەستىپىدە كرى تەوہ

۱۴ خەرمانان

شەرى چەكدارەنە باشوورى كوردستان دۇ بە  
دەولەتى عىراق دەستى پىكردوہ  
۲۰ خەرمانان

سالرۇزى بەرخۇدانى مېژووبى شارى كۇبانى  
لەرۇژئاواى كوردستانە.

۲۴ خەرمانان

عەلى چىچەك لە ۱۷ ى ئەپىلولى ۱۹۸۲ شەھىد بووہ

۲۶ خەرمانان

سالرۇزى شەھادەتى  
ھەفأل تۇئەئەئدان قەندىل

۲۶ خەرمانان

سالى ۲۰۰۰ ، سالرۇزى ھىرشى سەر قەرەداغە

۲۸ خەرمانان



KOBANI





به جوانی دهستان پیگرد و به جوانیش سه‌رده‌کەوین

# JILEMO 33

کۆمه‌لگای جوانانی رۆژه‌لاتی کوردستان و به‌کێتی ژنانی جوانی رۆژه‌لاتی کوردستان

